

نذای شعیان



مؤلف : حضرت آیت الله حاج

میرزا عبدالرسول احقاقی

و ملحقات آن

تمقیق و گرد آوری : محمد عیدی فسرو شاهی



احقاقی اسکوتی، عبدالرسول، ۱۳۵۷ - ۱۳۸۲.
ندای شیعیان / مولف عبدالرسول حائری احقاقی؛ با ملحقات تالیف
محمد عیدی خسروشاهی. -- تهران: روشن ضمیر، ۱۳۸۴.
۸۴ ص.

ISBN 964-8521-01-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها. ۲. فقه جعفری. الف. عیدی
خسروشاهی، محمد، ۱۳۲۰ - ب. عنوان.

۲۹۷/۴۱۷

۴۳ الف / ۵ / ۲۱۲ / ۵ BP

۳۴۰۶۵-۳۴-۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

الله

موقع الأوحاد

Awhad.com



ناشر: انتشار روشن ضمیر (تلفن: ۱۳۱۷۲-۵۵۰۰۴۴۶-۵۵۵۰۰۴۴۶-۰۹۱۲۲۳۳۳۵۴۶)

نام کتاب: ندای شیعیان

مؤلف: آیت الله حاج عبدالرسول حائری احقاقی

با ملحقات تالیف محمد عیدی خسروشاهی

نوبت چاپ: دوم ۱۳۸۴

چاپ: اتحاد

تعداد صفحات: ۸۴ صفحه

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰ تومان

شابک: ۸-۰۱-۸۵۲۱-۹۶۴

ندای شیعیان



مؤلف : حضرت آیت الله حاج

میرزا عبدالرسول احقافی

و ملحقات آن

تمقیق و گرد آوری : محمد عیدی فسرو شاهی

فهرست عمومی

- ۵۰ مختصری از زندگی مؤلف ندای شیعیان و ذکر انگیزه‌ی تألیف
- ۱۵ مقدمه‌ی مؤلف
- ۲۲ بدعت چیست؟
- فتاوی حضرات مجتهدین عظام راجع
- ۲۹ به ذکر شهادت مبارک علی ولی الله
اسامی حضرات علما و مجتهدین که
ذکر علی ولی الله را مستحب می‌دانند
- ۳۷ آنان که ذکر مبارک علی ولی الله را حذف می‌کنند
- ۴۱ مستحب در واجب از کتاب الصحیفه البیضاء السید عبد اللطیف
- ۴۲ شعری از السید عبد اللطیف و ترجمه‌ی آن
- ۴۷ ملحقات ندای شیعیان با بهره‌گیری
از ۱۵ روایت از ۳۰ مأخذ
- ۴۹ فتاوی ۳۱ تن از فقهای عظام معاصر در این باره
- ۵۲ نکات به دست آمده
- ۷۰
- ۷۱ اذان و اقامه و فوائد آن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مختصری از زندگی آیت الله احقاقی «ره»

الحمد لله الذي يرفع درجات علماء الربانيين المجتهدين
العاملين ويفضلهم على عباده المؤمنين المتقين
حضرت ايه الله معظم، جامع معقول و منقول، استاد فقه
واصول، مجتهد كامل و توانا، سخنور دانا، حكيم الهى، حاج
ميرزا عبدالرسول احقاقى حائرى، يكي از استادان تربيت
يافته در حوزه هاى علميه ي كربلاى معلى، مشهد مقدس،
تبريز و تهران بود.

اين دانشمند فرزانه و استاد يگانه، در دوازدهم مهرماه
سال ۱۳۰۷ هجرى شمسى، در شهر كويت در خانواده ي علم
وايمان و تقوى و سرشار از محبت اهل بيت هدى
عليهم السلام چشم به دنيا گشود.

روحش با شیر محبت آل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام
سیراب و شاداب گشت و گوش و هوش و زبان و جانش با اسماء
مقدس محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم آشنا شد.

در همان ایام طفولیت، به همراه پدر بزرگوارش حضرت
آیه الله العظمی امام مصلح و عبد صالح حاج میرزا حسن احقایی
حایری که به امر پدر، مرجع عالیقدر علین رتبت، کرویین
منزلت، حضرت آیه الله العظمی حاج میرزا موسی اعلی الله مقامه
الشریف به ایران کوچ می کرد، به شهرستان اسکو واقع
در آذربایجان شرقی آمد، او با راهنمایی پدر در همان شهر، از ۶ یا ۷
سالگی به فراگیری قرآن کریم، اصول دین، واجبات و محرمات
ضروری شرع مقدس نزد مرحوم سید احمد مدرس فسقندیسی،
پرداخت و نیز کلاسهای اول تا سوم ابتدایی را در مدرسه «شاپور»
مشغول شد سپس در معیت خانواده به خراسان کوچ کرد و
چهارم ابتدایی را در مدرسه «ابن یمنین» مشهد گذراند و آنگاه با
سفر به کربلای معلی، پنجم و ششم ابتدایی را در مدرسه
«حسینی ایرانی» به پایان رساند.

ملاحظه می کنیم که ضرورت تبلیغ دین مقدس اسلام،
و نشر فضایل و مناقب اهل بیت (ع)، ایجاب می کرده که خانواده
مدام در حرکت باشد و به ناچار او نیز باید در این مسافرتها
واقامتها همراه می شد.

چون در مقدمه ای نحوه تحصیلات متوسطه دانشگاهی، حوزوی و همچنین اسامی استادان اجازهی آن مرحوم را، به هنگام چاپ سوم جلد دوم کتاب او: (ولایت از دیدگاه قرآن) به طور اختصار آورده‌ام، و قرار است ان شاء الله تعالی ترجمه‌ی «دو قرن اجتهاد و مرجعیت در خاندان احقاقی» چاپ و در دسترس مطالعه کنندگان محترم قرار بگیرد، و مرحوم مؤلف شرح مفصل زندگانی پر فراز و نشیب خود، پدر، عمو و اجدادش و مطالب سودمند دیگری از جمله بعضی از خدماتشان را در آن کتاب با قلمی شیرین و جذاب به رشته‌ی تحریر کشیده است از تکرار موارد یاد شده خودداری می‌کنم و تنها به ذکر تألیفات پر بار این روحانی دانشمند و مجاهد و تلاشگر نستوه، و بیان انگیزه‌ی تألیف کتاب در دست مطالعه قناعت می‌نمایم.

تألیفات او:

۱- احکام الشریعه حاوی فتاوی آن مرحوم در دو مجلد ضخیم. و در بخش عربی این رساله در مدت دو سال و اندی دوبار به زیور طبع آراسته گردید. اما به عللی چاپ فارسی آن تا اوایل سال ۱۳۸۲ به تعویق افتاد، و چون این رساله حاوی یک دوره‌ی کامل فقه شیعه‌ی جمعفری و شامل مسایل مبتلا به جامعه‌ی اسلامی است سعی می‌شود بخش چهارم فارسی آن نیز برای مراجعه و استفاده‌ی محققین چاپ و منتشر شود. توضیح اینکه:

دو بخش این رساله در ۵۷۰ صفحه حاوی ۳۳۳۳ مسأله به فارسی چاپ و منتشر شده است. در ضمن مؤلف گرانقدر در ابتدای آن بحث فشرده

- و مختصری از اصول عقاید شیعه (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد جسمانی را به رشته تحریر در آورده است.
- ۲- خیر المنهج در مسایل عمره و حج، بخش سوم همان رساله بازبه فارسی با ۵۶۸ مسأله و با پاسخ گویی به ۹۷ سؤال و با ذکر اغلب دعاها و زیارت نامه های حرمین شریفین در ۳۴۰ صفحه در سال ۱۳۸۲ چاپ و منتشر شده است.
- ۳- حقایق شیعیان. این کتاب پاره ای از حقایق را پیرامون مرحوم شیخ احمد بن زین الدین احساسی اعلی الله مقامه الشریف باز گو می کند و به بعضی افتراها و تهمت های ناروا در این باره پاسخ می دهد. این کتاب دوبار چاپ و منتشر شده است.
- ۴- ندای شیعیان. همین کتابی که چاپ دوم آن را در دست مطالعه دارید.
- ۵- الحکمه البالغه.
- ۶- توضیح الواضحات.
- ۷- مقدمه‌ی کتاب مهم و ارزشمند صحیفه الابرار که دوبار به عربی چاپ شده است.
- ۸- جلد اول ولایت از دیدگاه قرآن. که سه باره چاپ رسیده است. -جلد دوم ولایت از دیدگاه قرآن که سومین باره سال ۱۳۸۴ چاپ شده است.
- ۹- راهنمای اعمال حج. که دو بار به چاپ رسیده است.
- ۱۰- جزوه ای در رابطه با (کشف بقایایی از کشتی حضرت نوح علیه السلام در کوههای آرات).

۱۱- تفسیر ثقلین که به عربی و فارسی چاپ شده است .
 ۱۲- دو قرن اجتهاد و مرجعیت در خاندان احقاقی. که بار دوم آن توسط
 مجله‌ی المرشد در سال ۱۴۱۶ هـ ق چاپ شده است، ترجمه‌ی این کتاب
 به زودی منتشر خواهد شد.

۱۳- مدرسه الاوحد

کتابهای خطی ایشان:

- ۱- الادب العربی (جمله، اقسام آن، احکام آن)
- ۲- الدر الفرید در علم تجوید.
- ۳- شرح و تفسیر آیه‌ی وصیت .
- ۴- شرح زیارت جامعه‌ی کبیره به زبان فارسی.
- ۵- هزار نکته . در موضوعات تاریخی، ادبی، فلسفی، دینی، اجتماعی و اخلاقی.
- ۶- ترجمه‌ی کتاب الدین بین السائل والمجیب. که توسط امام مصلح عبد
 صالح حضرت آیت الله حاج میرزا حسن احقاقی رحمه الله علیه تألیف
 شده است.
- ۷- دیوان اشعار. مشتمل بر قصائدی در فضائل و مناقب آل بیت علیهم
 السلام. و غیر این ها.

انگیزه تألیف ندای شیعیان

او به اسلام و ایمان عشق می ورزید، و در برابر او امر خدای مهربان خاضع
 و فروتن بود، به همین لحاظ مخالفت با دین و با آل بیت علیهم السلام از
 ناحیه‌ی هر کس و یا طایفه‌ای برای او غیر قابل هضم بود، و آن ها را
 بر نمی تابید، و بیزار بود از کسانی که به نوعی خرنده سعی داشتند بر عالم

تشیع ضربه وارد کنند. همین خصلت غیورانه‌ی او بود که سم پاشی‌های احمد کسروی را تحمل نکرد، و تا توسط پدرش حضرت آیت الله میرزا حسن احقاقی رحمت الله علیه جواب‌های کافی و منطقی‌ی‌اوه گویی‌های او را نگرفت، و کتاب ارزشمند «نامه‌ی شیعیان» را چاپ و نشر ننمود آرام و قرار نیافت.

و آن گاه که خالصی زاده و پیروان او، و برخی از ساده اندیشان یکی پس از دیگری کلمه‌ی «شهد ان امیرالمومنین علیا ولی الله» را از اذان و اقامه ساقط می‌کردند، و به سادگی زحماتی را هدر می‌دادند که شیعیان پاک باخته و فدایی خاندان محمد و آل محمد علیهم السلام بر خود هموار کرده بودند قد بر افراشت و با تدوین و چاپ و توزیع همین کتاب کوچک، اما مستدل به دل‌های ضعیف و ناتوان بعضی از شیعیان قدرت داد، و دلایل هیچ و بوج هوچی گران استعمار را نقش بر آب نمود. خدا رحمتش کند. و از جانب حضرات معصومین صلوات الله علیهم پاداشی خسروانه بر او عطا فرماید. آمین یارب العالمین.

البته لازم به یادآوری است که متأسفانه این حرکات خزننده و موزیانه از مدت‌ها قبل وجود داشته است چنان که مرحوم میرزا محمد حسین حجه الاسلام در کتاب علم المحججه که در رجب المرجب سال ۱۲۵۸ هجری قمری آن را تألیف فرموده در صفحه‌ی ۷۷ چاپ دوم از اشخاصی سخن می‌گوید که گفتن شهد ان علیا ولی الله را در اذان و اقامه به شدت منع می‌کرده‌اند. و ظاهراً آخرین اقدام مذبحخانه توسط خالصی زاده صورت می‌گرفته که علمای اعلام در برابرش مقاومت نموده و وی را از جامعه‌ی

روحانیون طرد کرده اند و قابل تقدیر و سپاسگزاری است که در همه جای کشور اسلامی ایران بلکه در اغلب نقاط جهان وسیله‌ی صدا و سیما هر روز چندین بار با صدای ملکوتی اذان در فضا طنین می‌اندازد. و در تمامی مساجد و مجامع مذهبی به‌هنگام برگزاری نماز جماعت‌ها نیز با بلندگوها تکرار می‌شود الحمد لله رب العالمین.

وفات او:

این آیت بزرگ الهی در سال ۱۴۲۴ هجری قمری در پایان ماه مبارک رمضان ماه مهمانی خدای کریم مطابق با ۷ آذر ماه سال ۱۳۸۲ هجری شمسی به دیار باقی شتافت و خانواده، دوستان و علاقمندان رادر سوگ خود نشانند و بدین ترتیب مضمون حدیث شریف «اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لا یسدها شیء» یک بار دیگر تحقق یافت.

پیکر این عالم عامل، عارف کامل، با مشایعت کم نظیر علاقمندان و مقلدان سوگوار او از اهالی کویت، احساء، و غیر هم، با اندوهی جانکاه بین حرمین شریفین (حرم حضرت ابی عبدالله الحسین و حرم حضرت ابی الفضل العباس علیهم صلوات الله و ارواح العالمین لهم الفداء) در تربت مقدس کربلای معلی مدفون گردید.

روانش شاد و با ائمه‌ی کرام علیهم السلام محشور باد. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آلہ الطیبین الطاهرین.

نکات ایستخبات شعبان

شامل فتاویٰ حضرات حجج الاسلام و آیات عظام

در استحباب و رجحان شهادت ثالثه در اذان و اقامه و غیر آن ها

.....

تألیف و جمع آوری

حضرت آیت الله حاج میرزا عبدالرسول احقاقی اسکوئی

«ره»

.....

و ملحقات آن

از: محمد عیدی خسروشاهی

چاپ دوم

حق طبع محفوظ و مخصوص ناشر است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

علی مع الحق و الحق مع علی یدور معه

حیثما دار

علی با حق است و حق با علی است هر جا بگردد با او می گردد

.....

و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر انا

اعتدنا للظالمین ناراً احاط بهم سرادقها و ان یتغیثوا یغاثوا بماء

کالمهل یشوی الوجوه بشس الشراب و ساءت مرتفقا .ان الذین آمنوا و

عملوا الصالحات انا لا نضیع اجر من احسن عملا

(سوره کهف- آیات ۲۹ و ۳۰)

و بگو این حق از سوی پروردگارتان می باشد پس هر کس بخواهد (آن را

پذیرد و) ایمان بیاورد و هر کس بخواهد کافر شود. ما برای ستمگران آتشی

را آماده کرده ایم که سرا پرده اش آن ها را از هر سو فرا گرفته است. و اگر

آبی را تقاضا کنند آبی داده شوند چون فلز گداخته، که صورت ها را بریان

می کند، چه نوشیدنی بدی و چه محل اجتماع ناخوشایندی است.

آنان که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند البته ما ضایع نخواهیم

کرد اجر کسی را که کاری نیکو انجام دهد.

قال مولانا الصادق (ع)

إذا قال احدكم لا اله الا الله محمد
رسول الله

فليقل على امير المؤمنين

هرگاه یکی از شما بگوید: لا اله الا الله، محمد رسول الله
باید بگوید: علی امیر المؤمنین

.....

ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و كفر عنا سيئاتنا و توفنا مع الابرار
(سورة آل عمران - آیه ۱۹۳)

پروردگارا شنیدیم منادی به ایمان دعوت می کرد (و می گفت که)
به پروردگارتان ایمان بیاورید، پروردگارا ما ایمان آوردیم، پس
گناهان ما را ببخش، و بدی های ما را به فضل خود ببوشان، و ما را با
نیکوکاران بمیران

.....

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه
امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله خالق الخلق و صاحب العز و الكرامه. و صلى الله على محمد الذى بعثه للرساله، و اقامه فى سائر العوالم فى الاداء مقامه ، و الصلوه و السلام على على امير المؤمنين الذى خصه بالولاية و الخلافه و الامامه ، و جعل الشهاده بولايته رمزاً للايمان و روحاً للاركان و زينه للاذان و الاقامه ، و على آلهما و اولادهما الطيبين الطاهرين اولياء الحق و شفعاء يوم القيامه، و لعنه الله على اعدائهم و منكريهم اصحاب الشمال و اخوان الحسره و الندامه .

كلمه **(اشهد ان علياً ولى الله)** در واقع و حقيقت امر از اصول دين اسلام است كه به علت انكار طوايفى از مسلمانان اكنون فقط از اصول مذهب تشيع به شمار مى رود .

واقعه **غدير خم** و آيه شريفه **(انما وليكم الله)** و آيات و احاديث و روايات بيشمار ديگر براى كسى مجال انكار باقى نگذاشته است . اين كلمه شريفه در نزد شيعيان و خاصه طايفه جعفرىيان از اركان ايمان ، و از مسلماتى است كه براى اثبات آن به اقامه دليل و برهان نياز نيست .

ظالمان بنى اميه و فراعنه بنى عباس در دوره حكومت سرتاسر جنائيت و خدعه و تزوير خويش ، از ترس تزلزل مقام خلافت پوشالى خود براين كلمه مباركه ، پرده هاى ضخيم كشيدند

و مدتی طولانی آن را از مسلمانان مخفی و مستور داشتند، و جز عده‌ی معدودی کسی را با این کلمه‌ی طیبه آشنائی نبود.

تا این که به حکم (**الحق یعلو و لا یعلی علیه**) و به نص آیه‌ی شریفه‌ی (**والله متم نوره و لو کره الکافرون**) این آفتاب حقیقت، کم کم از زیر ابرهای متراکم مجاز بیرون آمد، و این ستاره‌ی درخشان یک مرتبه از افق ایران و از مساجد و محافل ایرانیان طلوع نمود، و بالاخره در اواسط دولت عباسیان وجود نازنین ولایت به خود تکانی داد، و کابوس سنگین غاصبانه را بدور افکند، و میان ملت مسلمان قامت رشید و رعنا‌ی خود را نمایان نمود.

از زمان سرمذهب و پیشوای مقدس جعفریان، یعنی **حضرت امام جعفر صادق علیه السلام** میان خواص شیعیان، این کلمه‌ی مبارکه در اذان و اقامه با شهادتین توأم بود، و در صورت تقیّه مخفیانه دست به دست و دهان به دهان می‌آمد، تا این که در عصر **پادشاهان دیلمی**، و مخصوصاً در زمان **شهریاران صفوی** روشن و آشکار شد، و بر سر مأذنه‌ها و بام‌ها علناً اعلام گردید، و در زمان سلطنت عبدالحمید عثمانی به همت والای مرحوم ناصرالدین شاه قاجار، بر سر مناره‌های مشاهد مقدسه‌ی عراق عرب هم آفتابی گشت، و کلمه‌ی « **اشهد ان امیر المؤمنین علیاً ولیّ الله** » زینت بخش اذان و اقامه گردید.

البته تمام این‌ها بر طبق فتوای **حضرت صادق آل محمد علیه السلام**، و اصرار علما و مراجع شیعه و فقهای اثنا عشریه انجام

می گرفت ، و این کلمه ی طیبه نه به قصد ورود و جزئیت، بلکه به نیت رجحان و استحباب در ردیف شهادتین قرار داده شد .
والحمد لله رب العالمین.

آثار فعالیت و جانفشانی های جعفریان ظاهر و آشکار گردید، و در حال حاضر هر شبانه روز چندین مرتبه ،صدای ملکوتی « اشهد ان امیرالمؤمنین علیاً ولی الله » مسامع عموم بشر را به اهتزاز می آورد، و این کلمه ی طیبه هر از چند ساعت در فضای کره ی زمین طنین انداز می گردد و حتی برادران اهل تسنن نیز به شنیدن این شهادت عادت نموده اند . اما عجب اینجا است که به تازگی برخی از آقایان از گفتن کلمه ی مقدسه ی ولایت در اقامه و بعضاً اذان احتیاط می کنند ، و این عمل منفی در واقع احتیاط نیست ،بلکه وسوسه و کسالت روحی است .

در میان عموم شیعیان عرب ،اعم از عراق و شام و بنادر و جزایر خلیج فارس و قاطبه ی عراق عجم و خراسان و گمان می کنم عموم شیعیان فراوان هند و پاکستان و اندونزی نیز این کلمه ی طیبه را از اذان و اقامه اسقاط نمی نمایند ، و در واقع این تقدیس بی نمک و احتیاط تلخ و شور فقط در عده ی معدودی مشاهده می شود ،و یک مشت عوام بیچاره هم متابعت آنان را می کنند و تقصیری ندارند . برخی از این افراد که به دروغ در میان شیعیان اظهار تشیع می کنند می گویند: که مقصود و مرام ما از حذف کلمه ی « علی ولی الله » این است که نظر برادران اهل سنت را جلب کنیم .

عرض می‌کنم: وای بر آنان . . . میلیون‌ها خون نا حق ریخته شده، و میلیون‌ها شیعه‌ی مظلوم در اعماق زندان‌ها گرسنه و تشنه غریبانه جان داده‌اند، و هزاران هزار زنان و اطفال جعفری در بلاد اسلامی یتیم و آواره مانده‌اند تا بالاخره، به مرام مقدس خود رسیده‌اند، و پس از آن‌همه جانفشانی‌ها این نام مبارک زیب و زینت مأذنه‌ها و مناره‌ها گردیده است. و حتی در بندر کویت (آل صباح) که حکومت و قضاوت و تجارت و همه چیز در ید اقتدار اهل تسنن است، و شیعیان نسبت به ایشان ضعیف و محکوم هستند به امر حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی مولانا الحاج میرزا علی آقا احقاقی حائرنی مد ظله العالی در دو مسجد معظم جعفریان دو مناره و مأذنه‌ی مرتفع به نام علویه و حیدریه ساخته شده، و با بلندگوهای قوی صدای «اشهدان امیر المؤمنین علیاً ولی‌الله»، در اوقات سه گانه‌ی صبح و ظهر و مغرب فضای کویت را به لرزه در می‌آورد، و تاکنون از برادران اهل تسنن مخالفتی شنیده نشده، و بر علیه این نام مبارک از نزاکت خارج نشده‌اند با این همه تفصیل، تازه این مرد فرومایه در قلب استقلال تشیع می‌گوید: که ما این اسم را ساقط کنیم.

محو و نابود باد اتفاقی که با اسقاط حق و مخفی ساختن نام علی انجام خواهد گرفت. نام وجود مقدسی که شناختن او بر هر فرد واجب و لازم و معرفت او در ردیف معرفت

خدا و رسول است و بدون شناسائی او شریعت اسلام ناقص و اعمال مسلمانان باطل می باشد .

مادامی که بر جان و مال و ناموس خطری متوجه نیست و قانون تقیه اقتضا نمی کند بر اهل حق واجب است با تمام قوای خود در اظهار حق و نشر حق بکوشند، و جاهلان و مخالفین را از خواب غفلت بیدار نمایند . یک فرد جعفری که در این عصر آزاد و محیط مساعد حق را مخفی می دارد، و از اظهار فریضه‌ی اسلامی و بزرگترین امتیاز شیخ خود داری می کند، پس کی به امر به معروف عمل خواهد کرد؟ . . . نام مبارک علی علیه السلام و شهادت بر ولایت در اذان و اقامه و غیر آن ها نزد فقهای شیعه اگرچه ظاهراً راجح و مستحب است، اما در واقع نزد امام جعفریان و در رأی ایشان روح واجبات به شمار می رود. کسی که از گفتن این کلمه‌ی طیبه مضایقه می کند باید در ذات و حقیقت وی علتی باشد، آری هر شیعه نمائی به مقام ولایت کلیه‌ی الهیه سرفروود نیاورد .

نطفه‌ی پاک بیاید که شود قابل فیض

ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

« و انها لکبیره الا علی الخاشعین »^۱

^۱ آیه‌ی ۴۵-بقره . ترجمه‌ی تمام آیه چنین است: از خدای تعالی به وسیله‌ی صبر و نماز یاری بخواهید، یاری خواستن، یا نماز را با شرایط لازم برگزار نمودن خیلی دشوار است مگر بر کسانی که در برابر او امر خدای تعالی فروتن باشند.

بلکه هر نماز گزار هر چند عجله هم داشته باشد و می خواهد نماز را به اختصار بگذارد به جای حذف (علی ولی الله) مستحبات دیگر را حذف کند، زیرا که این مستحب به سایر مستحبات قیاس نمی شود.

شیعه ی اثنا عشری «**اشهد ان علیاً ولیّ الله**» را بعد از کلمه ی شهادتین بدون دغدغه و وسوسه باید تلفظ کند، و به تسویلات ارباب مرض و افراد ضعیف الایمان اعتنا ننماید. زیرا اسقاط این کلمه به نیت تراکم کارها و تفویت وقت و عجله در ادای نماز و هر نیت دیگر در برابر قاضی ایمان و تشیع عذر موجهی نیست.

مکر و حیلہ ی برخی از مخالفین ولایت تدریجاً کار خود را می ساخت، و در برخی از ولایات عالم اسلام مرام شوم و عقیده ی فاسد آنان عملی می شد، یعنی نام مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام را بعضی از غافلان مذهب جعفری از اذان و اقامه ساقط می نمودند، و زحمات مجاهدین پاک و غیرتمند شیعه را عقیم و بلکه مقصود حضرت حق و عمل رسالت را ضایع می ساختند «**و ان لم تفعل فما بلغت رسالته**»^۱، که لطف الهی شامل حال حقیقت شد و در

^۱ آیه ی ۶۷ سوره ی مائده. ترجمه: ای پیامبر آنچه از خدای برتوانزل شده به خلق برسان که اگر نرسانی رسالت او را نرسانده ای و خدا تورا از شر آزار مردمان محفوظ خواهد داشت به درستی که خدای تعالی گروه کفار را هدایت نخواهد کرد. همه ی مفسران قرآن این آیه را با غدیر خم و ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام تطبیق کرده اند.

مرکز روحانیان جعفری یعنی عراق عرب بی ادبی احمقانه حرمت (علیاً ولی الله) را در اذان و اقامه ولو به قصد استجاب و رجحان باشد اعلان نمود، و جنبشی عظیم در جامعه‌ی تشیع ایجاد کرد که آن انقلاب به نفع حق و ظهور حقایق تمام شد.

مخفی نمائد محض ایجاد اختلاف و دوئیت در جامعه‌ی جعفریان و میان علمای امامیه و فقهای اثنا عشریه پول ماوراء بحار هر ساله و هزماه در جریان بود، و به وسائل مختلفه سرأ و علناً به برخی از عناصر ناپاک می‌رسید، و کم کم میان توده‌ی شیعیان زمزمه‌ی نفاق و تخریب به وجود می‌آمد، که ریال و هابیان نیز بر آن اضافه شد و زمینه را برای انقلاب مذهبی حاضر ساخت.^۱ لیدر حزب فساد که از جانب بیگانگان فقط برای افساد تربیت شده است به حساسترین نقطه‌ی اثنا عشریان دست درازی کرد، و خواست با شهسوار اسلام نیز مبارزه نماید، اما بیدرنگ و بدون مهلت از آن ناحیه‌ی مقدسه ضربتی جانانه بر پیکر نامردانه‌اش وارد آمد که، مانند گوی بر زمین ذلت در غلطید، و مورد تمسخر و استهزای جهان اسلام واقع شد.

یعنی حضرات مراجع تقلید شیعیان اعم از ایران و عراق بر آن عنصر نفاق حمله نمودند، و برخی از ایشان هم نوشتند که شهادت بر ولایت حتی در نماز و تشهد هم خالی از رجحان نیست، و

^۱ به کتاب های رمزالایمان و الصحیفه البیضاء و مؤلفات دیگر که در عراق عرب برای اثبات همین مطلب تألیف شده مراجعه شود.

کتاب‌ها و رساله‌ها تالیف فرمودند و این شیعه نمای وهابی را رسوای خاص و عام کردند، و کاخ آمال و آرزوهای شهوانی او را که بر پایه‌ی دنیا پرستی و عداوت با اهل بیت عصمت بنا شده بود ویران و منهدم ساختند آری . . .

« با آل علی هر که در افتاد بر افتاد »

چراغی را که ایزد بر فرزند هر آن کس پف کند ریشش بسوزد مقصود این احقر از نشر این رساله، فقط ارائه فتاوی حضرات فقهای معظم و مراجع بزرگوار است، تا این که ضعفای شیعه گول شیعه نماها را نخورند، و از این ثواب عظیم محروم نمانند، و تاج تشیع و نشان موالات بر سر و دوش آنان همیشه رخشان و تابان باشد، و خورشید ایمان در مساجد و مأذنه‌های ایشان همواره روشن و آشکارا خود نمائی کند.

بدعت چیست؟

برخی از بینوایان شهادت بر ولایت را به عنوان بدعت از اذان و اقامه ساقط می‌کنند. حالا راستی احتیاط می‌نمایند و یا به علت عداوت جبلّی و ظلمت حقیقت و ذاتشان بدعت را بهانه نموده سبب حذف این کلمه‌ی طیبیه می‌شوند کاری نداریم. به هر حال خوبست معنی این کلمه را چنان که هست به شیعیان علی‌علیه‌السلام گوشزد

نمائیم. به طور کلی در اصطلاح شرع اسلام احداث آنچه که در عصر حضرت رسول اکرم (ص) نبوده بدعت است.

بعد از حضرت رسول اکرم در کافه‌ی انواع زندگی بشر چیزهای تازه‌ای احداث و ایجاد گشته، که بنابر اصطلاح فوق همه‌ی آن‌ها را می‌توان بدعت نام نهاد. مثلاً در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها به اندازه‌ای تغییر و تبدیل راه یافته، و اطعمه و اشربه به وجود آمده که شمارش آنها به حصر نمی‌گنجد. قهوه و چای و سیگار نمونه‌ای از آن بدعت‌ها است. در لباس‌های ما که در هر قرن و به خصوص در این عصر، هر هفته مد تازه‌ای از کفش و کلاه و و انواع پوششها ایجاد می‌گردد. نوع جنگ و جدال و مجهز شدن در برابر دشمنان، به کلی تغییر یافته و اسلحه‌های جدید بیشماری ابتکار شده است، از توپ و تفنگ و تانک و زره پوش و اسلحه‌های زمینی و دریائی و هوائی و اتم و نیدروژن و غیره... و سائل مسافرت و حمل و نقل نیز عوض شده، و به جای الاغ و قاطر و اسب و شتر، اکنون اتومبیل‌های شخصی و عمومی و قطارهای سریع‌السیر، و کشتی‌های کوه‌پیکر و هواپیماهای شگفت‌آور و صدها و سائل مختلف و حیرت‌انگیز دیگر، صحراها و دریاها و آسمان را پر و مملو ساخته است. در طریقه‌ی مداوا و مبارزه‌ی با امراض حاده و مزمنه، به جای عقاقیر و حشایش، جوهریات و انواع آمپول‌ها و تزریقات و تطعیمات و اعمال جراحی و اسباب بیهوشی و تخدیر و داروهای شیمیائی و معالجات برقی و اتمی (و لیزری) که در واقع اوضاع پزشکی را به

کلی تغییر داده، و تشکیلاتی مستقل به وجود آورده است، علاوه بر آن ها صنایع محیر العقول دیگری مانند تلگراف و تلفن و بی سیم و رادیو و میکروفون و برق و تلویزیون و غیره که هر فرد عاقل و توانا با عمری دراز از حساب و شمارش آن ها اظهار عجز خواهد نمود.

اکنون گفتن و شنیدن و خوردن و آشامیدن و خواندن و نوشتن و پوشیدن و راه رفتن و مسافرت و مداوا و مبارزه و خرید و فروش ما به طور کلی همه اش، بعد از زمان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حادث گشته و به همان اصطلاح همه اش بدعت است، و اگر هر بدعتی را حرام بدانیم:

باید تمام حرکات و سکنات و کلیه ی مقامات زندگی ما حرام و موجب کفر، مستوجب عذاب و جهنم باشد ولی . . . «نه هر احدائی بدعت و نه هر بدعتی موجب کفر و زندقه است» .

بلکه ابتکارات و صنایع، و به طور کلی هر احدائی را که پس از حضرت رسول اکرم (ص) به وجود آمده است، بر قواعد و اصطلاحات شرعیه عرضه می داریم و واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح آن ها را طبق همان قواعد استنباط می نمایم^(۱) پس بدعت مصطلح که به معنی کفر و مستوجب عقاب باشد، آن بدعتی

^(۱) البته این استنباط و تطبیق از وظایف حضرات مجتهدین است و عوام را حق مداخله و اظهار عقیده نیست زیرا طبقه ی عوام از قوانین استنباطات شرعیه

را گویند که ، بر خلاف مقررات شریعت مقدس اسلام بوده باشد ، والا پاره‌ای از بدعت‌ها هستند که موجب ثواب دنیا و آخرت و وسیله‌ی سعادت دارین می‌باشند . و شاید بر طبق احکام خمس بدعت نیز بر پنج نوع تقسیم گردد : واجب ، حرام ، مستحب ، مکروه و مباح.

علامه علیه الرحمه می‌فرماید: « بدعت در شرع آن چیزی است که در عهد رسول خدا نبوده و آن منقسم است بر واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح و راهش آن است که آن را بر قواعد شرعیه عرضه نمائی هرگاه داخل قواعد ایجاب گردد واجب است و هکذا ... »

صاحب مجمع البحرین در ماده‌ی - بدع - می‌نویسد: « بعضی از شارحین حدیث فرموده‌اند: بدعت بر دو نوع است . بدعت هدی و بدعت ضلال ، و آن اموری که برخلاف اوامر الهی و سنت حضرت پیغمبر (ص) احداث شده‌اند موجب ذم و انکار هستند ، و آن اموری که بر طبق قوانین خدائی و نص حضرت رسول اکرم (ص) احداث شده‌اند قابل مدح می‌باشند . . . تا این که می‌گوید : و حضرت رسول خدا در این باره می‌فرماید : هر کس سنت خوبی پدید آورد اجر آن سنت و اجر عمل کنندگان به آن تا روز قیامت برای او است

من سن سنه حسنه فله اجرها و اجر من عمل بها

الی یوم القیامه « الخ » حالا بیائیم و شهادت به ولایت را در

اذان و اقامه ملاحظه کنیم که از کدام بدعت ها است . بدعت هدی است یا بدعت ضلال ؟ ...

ولی قبلا باید بدانیم که ذکر شهادت ثالثه و گفتن (**اشهد ان علیا ولی الله**) فی نفسه بدعت نیست ، بلکه در کتاب و سنت وارد است و به فرموده‌ی حضرت ذوالجلال در قرآن کریم عین حق و حقیقت است، و در واقع از شهادت بر توحید و نبوت جدا نیست

(انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا ...) هر کس این آیه‌ی شریفه را انکار نماید و ولایت علی امیر المؤمنین (ع) را از توحید و نبوت مجزا کند ، در اسلام و ایمان او شک و شبهه باید کرد . حدیث **(من کنت مولاه فهذا علی مولاه)** در غدیر خم و احادیث فراوان دیگر در سایر اماکن شاهد و دلیل و مفسر این معنی می باشد .

اکنون که معلوم شد اقرار بر ولایت علی علیه السلام بدعت نیست، بلکه از ضروریات اسلام و واجبات مسلمین است، و به فرموده‌ی کتاب و سنت در ردیف توحید و نبوت قرار گرفته است .

بینیم آیا گفتن **(علی ولی الله)** در اذان و اقامه به نیت استجاب و رجحان، و نه به قصد جزئیت و ورود، چه صورتی دارد ؟ البته ما اقرار و اعتراف می‌نمائیم به این که عبادات توقیفیه هستند، یعنی مسلمانان مکلفند به طوری که از طریق شرع انور وارد شده خدا را

عبادت نمایند، و هیچ کس را حق تشریح نیست، و نمی توان با قیاس و استحسان در احکام زیاد و کم کرد.

اذان و اقامه هم از عبادت های مستحب می باشد فقراتش در شریعت ضبط شده است. نه از آن می توان کاست و نه بر آن می توان افزود حذف فقره **خی علی خیر العمل** و گفتن **الصلوه خیر من النوم** هر دو بدعت و ضلال و تشریح باطل بوده و در هر حال موجب فساد اذان و اقامه و مستوجب عقاب گوینده می باشد.

اما به اتفاق علمای اسلام و فقهای جعفری کلام زاید در اذان و اقامه به غیر قصد، زبانی ندارد و سبب بطلان و فساد نمی شود. مثلا در اثنای اذان بدون ضرورت هم، صحبت های کوتاه با دوست و بیگانه و حتی راندن و صدا کردن حیوانات ضرری به اذان نمی رساند و بدعتی نیست اگر چه نمازگذار عادت داشته باشد و همیشه در اثنای اذان و اقامه بدون فاصله ی زیاد و خروج از صورت عبادت صحبت کند باز هم به اتفاق علمای شیعه مانعی ندارد.

بنابر این، این مقدس حلال زاده چگونه گفتن **(اشهدان امیر**

المؤمنین علیا ولی الله) را به قصد استحباب و رجحان، بدعت و مبطل اذان و اقامه و موجب عقاب و عذاب می پندارد؟
علاوه بر این آوردن اعمال مستحبی را در نماز و عبادت های واجبه مشروع می داند، اما آوردن این کلمه ی مبارکه و فقره ی

راجحه‌ی **(علی ولی الله)** را، در عمل مستحبی بدعت و گناه می‌پندارد؟.

(ان هو الا زور و بهتان مبین) و گذشته از آنها فرمایش

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روایت مشهور (اذا قال احد کم لا اله الا الله، محمد رسول الله، فلیقل علی امیر المؤمنین هر گاه یکی از شما لا اله الا الله، و محمد رسول الله بگوید، باید بگوید علی امیر المؤمنین)، گفتن علی ولی الله را در همه جا مشروع می‌کند، و اگر افاده‌ی وجوب نکند لا اقل افاده‌ی استحباب و رجحان خواهد کرد. به دلیل صلاحیت عموم در مشروعیت خصوص چنان که صاحب جواهر (رحمه الله علیه) می‌نویسد.

بلکه برخی از علمای ابرار و فقهای اخیار، ذکر شهادت ثالثه را به قصد رجحان در تشهد و نماز هم جایز و مستحب دانسته‌اند، چنان که حضرت آیه الله الشیخ مرتضی آل یاسین صریحاً می‌نویسد و از فتوای حضرت آیه الله شیرازی نیز همین معنی فهمیده می‌شود. و از برخی از ثقات شنیده‌ام که از حضرت آیه الله شیرازی بزرگ نیز استفتا نموده‌اند و ایشان هم شهادت بر ولایت را به قصد رجحان در تشهد فتوا داده‌اند. علاوه بر همه‌ی این‌ها اتفاق مجتهدین شیعه و فقهای جعفریه و مراجع معظم، در گفتن (علی امیر المؤمنین ولی الله) در اذان و اقامه، به طور استحباب و رجحان، ثابت، و برخی نیز علاوه نمودن (و اولاده المعصومین) را راجح و مستحب دانسته‌اند.

اکنون اسامی حضرات فقهای امامیه را که داخل کردن فقره‌ی شریفه‌ی علی ولی الله را در اذان و اقامه راجح و مستحب دانسته و در رساله‌های خود مرقوم داشته و خودشان نیز به آن تلفظ فرموده اند ذکر می‌نمائیم .

ذکر فتاوی حضرات مجتهدین عظام راجع به فقره ی

شریفه ی علی ولی الله در اذان و اقامه

۱- فرمایش حضرت امام شیعیان و استاد و پیشوای عالمیان ابو عبد الله امام جعفر صادق علیه السلام و ارواحنا فداه در خبر قاسم مروی در احتجاج طبرسی « اذا قال احدکم لا اله الا الله محمد رسول الله فلیقل علی امیر المؤمنین » و اخبار دیگر .

۲- مرحوم (صاحب جواهر) در رساله‌ی نجات العباد که از طرف مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی اعلی الله مقامه بر آن حاشیه نوشته شده ، چنین می‌فرماید : مستحب است صلوات بر محمد و آل محمد (ص) موقع ذکر اسم شریف آن حضرت ، و اکمال شهادتین با شهادت به ولایت حضرت امیر المؤمنین (ع) در اذان و غیره .

۳- و ایضاً در رساله‌ی مرحوم صاحب جواهر که در سال ۱۳۱۸ هجری به طبع رسیده ، و از طرف حضرت آیه الله میرزا حسن شیرازی کبیر ، و حضرت آیه الله شیخ مرتضی انصاری ، و حضرت

آیه الله شیخ محمد طه بر آن حاشیه نوشته شده، ایضا استحباب شهادت ثالثه (علی ولی الله) در اذان و اقامه مذکور است.

۴- در رساله‌ی مرحوم شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه که به فارسی نوشته شده، ایضا ذکر ولایت در اذان و اقامه همان طور است.

۵- و در رساله‌ی شیخ شریبانی ایضا همان طور است.

۶- و در رساله‌ی آیه الله مرحوم سید مهدی سید حیدر نیز، راجع به استحباب شهادت ثالثه در اذان و اقامه این طور است: مستحب است شهادت به حضرت علی به ولایت و امیر المؤمنین بعد از شهادتین نه به قصد جزئیت.

۷- و حضرت آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی در رساله‌ی عربیه‌ی خود راجع به شهادت ثالثه چنین من نویسد و عینا ترجمه می‌شود: آری مستحب است صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم موقع ذکر اسم شریف آن حضرت و اکمال شهادتین با شهادت بر علی (ع) به ولایت و امیر المؤمنین در اذان و غیره.

۸- و در رساله‌ی حضرت آیه الله العظمی السید محسن حکیم مسمی به منهاج الصالحین ایضا همان طور است.

۹- و در رساله‌ی مرحوم میرزا حسین نائینی ایضا همان طور است

۱۰- و در رساله‌ی فارسی حضرت آیه الله مرحوم سید کاظم یزدی اعلی الله مقامه نیز همان طور است .

۱۱- و در رساله‌ی مرحوم حسین بن محمد الحسینی ایضا همان طور است .

۱۲- و حضرت آیه الله العظمی مولانا الحاج میرزا علی آقا احقاقی اسکونئی در رساله‌ی منهاج الشیعه چنین می‌فرماید : مستحب مؤکد است شهادت به ولایت حضرت ولایت مآب امیرالمؤمنین (ع) بعد از شهادت به نبوت زیرا رکن اعتقاد و ایمان و مابه الامتیاز حق از باطل است .

۱۳- و حضرت آیه الله سید میرزا حسن لواسانی چنین می‌فرماید : و اگر زیاد کرد بعد از آن (یعنی بعد از شهادتین) به این که بگوید (اشهد ان امیر المؤمنین و ابناءه المعصومین حجج الله) یک مرتبه و یا دو مرتبه در اذان و اقامه عیبی ندارد و بلکه اکمال شهادتین است ولی جزء ضروری نیست .

۱۴- و در رساله‌ی حضرت آیه الله فیروز آبادی نیز همان طور است .

۱۵- و در رساله‌ی حضرت آیه الله شیخ عبدالله ممقانی مسمی به منهج الرشاد نیز همان طور است .

۱۶- و در رساله‌ی آیه الله مرحوم حاج آقا حسین قمی نیز همان طور است .

۱۷- و حضرت آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی چنین می‌فرماید و عین عبارت نقل می‌شود: شهادت بر ولایت حضرت امیر (ع) جزء اذان نیست و لکن به قصد رجحان آن و بعد از ذکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله سلم خوبست .

۱۸- و حضرت آیه الله سید عبدالهادی شیرازی می‌نویسد: و مستحب است شهادت بر علی علیه السلام به ولایت و امیر المؤمنین بعد از شهادتین در اذان و اقامه و غیرهما، و برای شما است اجر عظیم و ثواب جزیل جهت ذکر آن به دلیل اخبار و فتاوی علماء اخیار و الله الهادی الی سواء السبیل.

۱۹- و در رساله‌ی حضرت آیه الله سید حسن صدر مسمی به (مسائل مهمه) این طور است: و مستحب است صلوات بر محمد و آل محمد موقع ذکر اسم شریف آن حضرت و شهادت بر علی (ع) بر ولایت و امیر المؤمنین در اذان و اقامه .

۲۰- و حضرت آیه الله شیخ محمد حسن مظفری در رساله‌ی خود (و جیزه المسائل) چنین می‌فرماید: و مستحب است صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم موقع ذکر اسم شریف آن حضرت . و بعد از شهادتین شهادت به حضرت علی (ع) به امیر المؤمنین زیرا حضرت صادق (ع) می‌فرماید: (اذا قال احدکم لا اله الا الله الی آخره . . .)

۲۱- و مرحوم آیه الله آقا سید محمد حجت کوه کمری اعلی الله مقامه می فرماید: گفتن به قصد اذان و استحباب به خصوصه بدعت است و اما اگر بدون قصد اذان و خصوصیت مورد شهادت به ولایت مثل ذکر فضائل ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین همیشه خوب و مستحسن است خصوص بعد از ذکر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله. و الله العالم.

۲۲- و مرحوم حاج آقا رضا همدانی در کتاب (مصباح) قسمت صلوه، بعد از این که قول صدوق علیه الرحمه را در این باب نقل کرده چنین می فرماید. « و اگر شیخ مفید و علامه این اخبار را از شدو ذات به حساب نیاورده بودند، و صدوق ادعاء وضع آنها را نمی کرد، ممکن بود که ملتزم شویم بر این که شهادت بر ولایت و امارت حضرت امیر المؤمنین (ع) و ذکر محمد و آله خیر البریه از اجزاء مستجهبی اذان و اقامه است.

۲۳- و حضرت سند الاعلام حجه الاسلام آقا میرزا محمد آقا ثقه الاسلام در رساله‌ی عملیه‌ی خود چنین می فرماید: اما شهادت بر ولایت - و محمد و آله خیر البریه. جزء اذان نیست و به قصد جزئیت نباید گفت ولی با قصد قربت مطلقه و استحباب جایز است اگر چه بعضی از علماء اعلام پاره‌ی روایات وارده در این باب را شاذ گفته‌اند ولی بعضی روایات خصوصاً خبر قاسم مروی در احتجاج طبرسی از ابی عبدالله علیه السلام (اذا قال احدکم لا اله الا الله، محمد رسول الله، فلیقل علی امیر المؤمنین من باب امثال بعضی

عمومات ، دلالت بر استحباب دارد چنان چه اولی و احوط آن است که صلوات بفرستد بر محمد و آل او بعد از شهادت بر رسالت .

۲۴- مرحوم صاحب ریاض در کتاب ریاض می فرماید : از بعضی اخبار استفاده می شود که شهادت بر ولایت پس از شهادت بر رسالت مستحب است .

۲۵- شهید اول و شهید ثانی اعلی الله مقامهما در کتاب لمعه ی دمشقیه پس از این که فصول اصلی اذان و اقامه را ذکر می کنند چنین می فرمایند : و جایز نیست اعتقاد به جزئیت غیر این فصول مانند شهادت بر ولایت و ذکر محمد و آل خیر البریه و اگرچه در واقع و حقیقت امر چنین است ، و بالجمله این ها از احکام ایمان است نه از فصول اذان و اگر کسی این دو فقره را گفت ولی نه به قصد جزئیت عیبی ندارد .

۲۶- شیخ طبرسی اعلی الله مقامه در کتاب احتجاج می فرماید : و اگر مؤذن و یا اقامه گو شهادت ثالثه را در ضمن اذان و اقامه گفت ولی نه به قصد جزئیت بلکه به قصد تبرک گناهی نکرده زیرا حضرات علماء سخن گفتن را در اثنای اذان و اقامه جایز دانسته اند تا چه رسد به شهادت ثالثه که از اشرف ادعیه و اذکار است .

۲۷- مرحوم صاحب حدایق قول شیخ طبرسی را در کتاب مذکور تصدیق فرموده و گفته است (و هو جید) یعنی خیلی خوبست .

۲۸- مرحوم صاحب جواهر در کتاب جواهر می فرماید: مانعی ندارد ذکر شهادت ثالثه در اذان و اقامه ولی نه به قصد جزئیت به

جهت عمل به خبر مزبور، و ذکر شهادت ثالثه ضروری به موالات و ترتیب اذان و اقامه نمی‌رساند بلکه مثل صلوات بر محمد و آل محمد است. تا این که می‌فرماید: بلکه اگر مسالمت اصحاب نبود ممکن بود ادعای جزئیت شهادت ثالثه بنا بر صلاحیت عموم در مشروعیت خصوص.

۲۹- مرحوم بحر العلوم در منظومه‌ی خود راجع به استحباب شهادت ثالثه چنین می‌فرماید:

و اکمل الشهادتين بالتی قد اکمل الدین بها فی المله

یعنی و شهادتین را کامل کن با چیزی که دین به وسیله‌ی آن کامل شده است (یعنی به وسیله‌ی اقرار بر ولایت حضرت امیر المؤمنین (ع))

۳۰- حضرت آیه الله مرحوم الحاج میرزا موسی آقا احقاقی

اسگوئی اعلی الله مقامه در رساله‌ی لطائف الدرر چنین می‌فرماید: و اما شهادت به ولایت حضرت امیر المؤمنین (ع) بعد از شهادت به رسالت اگرچه جزء اذان و اقامه نیست و لکن رکن دین و ایمان است و گفتن آن در اذان و اقامه مستحب است.

۳۱- حضرت آیه الله العظمی شیخ مرتضی آل پاسین در تعلیقه‌ای

که بر کتاب (الصحیفه البیضاء عربی تالیف حضرت خطیب شهر سید عبد اللطیف ادام الله بقائه . چاپ بغداد) نوشته‌اند و عین مکتوب حضرتشان در کتاب نامبرده مندرج است، راجع به شهادت ثالثه در اذان و اقامه و غیره چنین می‌فرماید: و عینا ترجمه می‌شود: و اما

حضرت جد و حضرت والد و حضرت اخ قدس الله اسرار هم پس
همه‌ی آنها متفق‌اند بر مشروعیت شهادت ثلثه در هر یک از اذان و
اقامه اگر به قصد جزئیت نباشد. و همین طور است رأی من در
مسأله بلکه ذکر شهادت ثلثه مطلقاً حتی در نماز مستحب است

اسامی حضرات علما ، و مجتهدین که ذکر

شهادت ثلثه را در اذان و اقامه مستحب دانسته‌اند

- | | |
|---|---|
| ۱۲ - حضرت آیه الله مرحوم
شیخ مرتضی انصاری | ۱ - حضرت آیه الله مرحوم
محمد باقر مجلسی |
| ۱۳ - حضرت آیه الله مرحوم
شیخ مشکور جولای | ۲ - حضرت آیه الله مرحوم شیخ
یوسف بحرانی |
| ۱۴ - حضرت آیه الله مرحوم ملا
آقا دربندی | ۳ - حضرت آیه الله مرحوم
الاعاالبهبانی |
| ۱۵ - حضرت آیه الله مرحوم
شیخ مهدی خالصی | ۴ - حضرت آیه الله مرحوم
بحر العلوم |
| ۱۶ - حضرت آیه الله مرحوم
سید علی بحر العلوم | ۵ - حضرت آیه الله مرحوم شیخ
جعفر کبیر |
| ۱۷ - حضرت آیه الله مرحوم
سید حسین الترك | ۶ - حضرت آیه الله مرحوم شیخ
محمد رضا نجف |
| ۱۸ - حضرت آیه الله مرحوم
شیخ جعفر شوشتری | ۷ - حضرت آیه الله مرحوم سید
علی طباطبائی |
| ۱۹ - حضرت آیه الله مرحوم
میرزا محمد حسن قمی | ۸ - حضرت آیه الله مرحوم
محقق قمی |
| ۲۰ - حضرت آیه الله مرحوم
آخوند ملا محمد حجه الاسلام
تبریزی | ۹ - حضرت آیه الله مرحوم
نراقی |
| ۲۱ - حضرت آیه الله مرحوم
میرزا محمد حسین حجه الاسلام
تبریزی | ۱۰ - حضرت آیه الله مرحوم
میرزای کرباسی |
| | ۱۱ - حضرت آیه الله مرحوم
صاحب جواهر |

- ۲۲- حضرت آیه الله مرحوم میرزا محمد تقی حجه الاسلام تبریزی
- ۲۳- حضرت آیه الله مرحوم میرزا اسماعیل حجه الاسلام تبریزی
- ۲۴- حضرت آیه الله مرحوم فاضل ایروانی
- ۲۵- حضرت آیه الله مرحوم زین العابدین حائری
- ۲۶- حضرت آیت الله مرحوم میرزای شیرازی
- ۲۷- حضرت آیه الله مرحوم شهرستانی
- ۲۸- حضرت آیه الله مرحوم محمد علی ابن صاحب حاشیه
- ۲۹- حضرت آیه الله مرحوم سید اسماعیل نوری
- ۳۰- حضرت آیه الله مرحوم شریانی
- ۳۱- حضرت آیه الله مرحوم حاج آغا رضا همدانی
- ۳۲- حضرت آیه الله مرحوم شیخ محمد طه
- ۳۳- حضرت آیه الله مرحوم شیخ حسن ممقانی
- ۳۴- حضرت آیه الله مرحوم سید محمد بحر العلوم
- ۳۵- حضرت آیت الله مرحوم میرزا حسین خلیلی
- ۳۶- حضرت آیه الله مرحوم آخوند محمد کاظم خراسانی
- ۳۷- حضرت آیه الله مرحوم حاج میرزا شفیع ثقه الاسلام
- ۳۸- حضرت آیت الله مرحوم حاج میرزا موسی ثقه الاسلام
- ۳۹- حضرت آیه الله مرحوم شیخ عبدالله مازندرانی
- ۴۰- حضرت آیه الله مرحوم شیخ محمد تقی آقا نجفی
- ۴۱- حضرت آیه الله مرحوم ملا محمد علی امامی
- ۴۲- حضرت آیه الله مرحوم حاج میرزا علی آقا طباطبائی
- ۴۳- حضرت آیت الله مرحوم میرزا رضا آقا معین الاسلام
- ۴۴- حضرت آیت الله مرحوم میرزا احمد آقا عمید الاسلام
- ۴۵- حضرت آیت الله مرحوم ابوالقاسم اردو بادی
- ۴۶- حضرت آیت الله مرحوم میرزا محمد علی چهاردهی
- ۴۷- حضرت آیت الله مرحوم شیخ محمد جواد جولوی

- ۴۸- حضرت آیت الله مرحوم حاج سید مصطفی حائری اسکوئی
- ۶۱ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ محمد ابو خمسین
- ۴۹- حضرت آیت الله مرحوم سید مهدی حیدر
- ۶۲ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ محمد ابن عیثان
- ۵۰ - حضرت آیت الله مرحوم سید محمد کاظم یزدی
- ۶۳ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ موسی ابو خمسین
- ۵۱ - حضرت آیت الله مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی
- ۶۴ - حضرت آیت الله مرحوم سید محمد مهدی صدر
- ۵۲ - حضرت آیت الله مرحوم سید اسماعیل صدر
- ۶۵ - حضرت آیت الله مرحوم میرزای نائینی
- ۵۳- حضرت آیت الله مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی
- ۶۶ - حضرت آیت الله مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی
- ۵۴ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ احمد کاشف الغطاء
- ۶۷ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی
- ۵۵ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ عبد النبی نوری
- ۶۸ - حضرت آیت الله مرحوم حاج آقا حسین قمی
- ۵۶ - حضرت آیت الله مرحوم سید محمد فیروز آبادی
- ۶۹ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ محمد رضا آل یاسین
- ۵۷ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ شعبان رشتی
- ۷۰ - حضرت آیت الله مرحوم سید صدرالدین صدر
- ۵۸ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ عبد الله ممقانی
- ۷۱ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ عبدالحسین رشتی
- ۵۹ - حضرت آیت الله مرحوم سید حسن صدر
- ۷۲ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء
- ۶۰ - حضرت آیت الله مرحوم سید محمد حجت کوه کمری
- ۷۳ - حضرت آیت الله مرحوم شیخ موسی اردبیلی

- ۷۴ - حضرت آیت الله مرحوم
میرزا محمد باقر احقاقی
اسکوئی
- ۷۵ - حضرت آیت الله مرحوم
الحاج میرزا موسی احقاقی
اسکوئی
- ۷۶ - حضرت آیت الله العظمی
الحاج میرزا علی آقا احقاقی
اسکوئی
- ۷۷ - حضرت آیت الله العظمی
حاج آقا حسین بروجردی
- ۷۸ - حضرت آیت الله العظمی سید
محسن آل حکیم
- ۷۹ - حضرت آیت الله العظمی
میرزا محمد ثقه الاسلام
- ۸۰ - حضرت آیت الله العظمی
السید حسین الحمامی
- ۸۱ - حضرت آیت الله العظمی
سید محمد جواد تبریزی
- ۸۲ - حضرت آیت الله العظمی
شیخ محمد حسن مظفر
- ۸۳ - حضرت آیت الله العظمی
سید عبد الهادی شیرازی
- ۸۴ - حضرت آیت الله العظمی
شیخ عبد الکریم زنجانی
- ۸۵ - حضرت آیت الله العظمی
شیخ حسین حلی
- ۸۶ - حضرت آیت الله العظمی
سید ابوالقاسم خوئی
- ۸۷ - حضرت آیت الله العظمی
سید علی مدد قائی
- ۸۸ - حضرت آیت الله العظمی
سید محمود شاهرودی
- ۸۹ - حضرت آیت الله العظمی
سید آغا شیرازی
- ۹۰ - حضرت آیت الله العظمی
سید محمد بغدادی
- ۹۱ - حضرت آیت الله العظمی
شیخ مرتضی آل یاسین
- ۹۲ - حضرت آیت الله العظمی
شیخ حسن خاقانی
- ۹۳ - حضرت آیت الله العظمی
شیخ علی کاشف الغطاء

و صدها حضرات حجج الاسلام و مراجع بزرگوار که فعلا اسماء
شریفشان در خاطر من نیست

اسامی اشخاصی که شهادت ثالثه را در اذان و اقامه حذف

می کنند

۱ - حنفی

۲ - شافعی

۳ - مالکی

۴ - حنبلی

۵ - وهابی

۶ - آنان که در اسقاط شهادت ثالثه با نامبردگان فوق همکاری

می نمایند

نقل از صفحه ۲۳ کتاب صحیفه البیضاء تألیف خطیب شهیر السید عبداللطیف (چاپ بغداد) که از طرف حضرت آیه الله السید عبدالهادی حسینی شیرازی و حضرت آیه الله السید مهدی حسینی شیرازی و حضرت آیه الله الشیخ مرتضی ال یاسین ادام الله ظلهم العالی بر آن تقریظ نوشته شده است .

(مستحب در واجب)

اولین مستحب در نماز استعاذهی نماز گزار است بعد از تکبیره

الاحرام و قبل از قرائت به این کیفیت که بگوید **(اعوذ بالله**

السمیع العلیم من الشیطان الرجیم)

دوم - مستحب است تکبیر نماز گزار در موقع رفتن به رکوع و

سجود و سر برداشتن از آنها به این کیفیت که بگوید **(الله اکبر)**

بنابراین نماز گزار در هر نماز چهار رکعتی بیست مرتبه و در هر نماز

سه رکعتی پانزده مرتبه و در هر نماز دو رکعتی ده مرتبه باید بطور

استحباب الله اکبر بگوید .

سوم - مستحب است قنوت در قیام دوم قبل از رکوع ولو با

خواندن یک آیه از قرآن کریم .

چهارم - مستحب است گفتن **(سمع الله لمن حمده)**

و یا **(الحمد لله رب العالمین)** پس از بلند کردن سر از

رکوع

پنجم - مستحب است صلوات بر محمد و آل محمد در رکوع و سجود بعد از ذکر

ششم - مستحب است گفتن **(الحمد لله)** و **يا (بسم**

الله و خير الاسماء لله) قبل از تشهد و پس از بلند کردن سر از سجده‌ی دوّم

هفتم - مستحب است استغفار بعد از تسيّحات اربع در

درکعت سوم و چهارم

هشتم - مستحب است تثلیث و یا تخمیس و یا تسبیح تسيّحات

کبریات الی فوق ذلک در صورتیکه واجب همان تسبیح اولست

نهم - مستحب است گفتن **(بحول الله و قوته اقوم و**

اقعد)

دهم - مستحب است دعاء در مواضع مختلف نماز مخصوصا

پس از سجده‌ی اخری

یازدهم - مستحب است صلوات بر محمد و آل محمد موقع

ذکر اسم شریف آنحضرت در هر موضعی از مواضع نماز اتفاق افتاد.

دوازدهم - مستحب است گفتن **(السلام علیک ایها**

النبي) در صورتیکه از توابع تشهد است .

این دوازدهم مستحب است در خود نماز و اگر مانعین شهادت

ثالثه دلیل می آورند که گفتن **(اشهد ان امیر المؤمنین علیا**

ولی الله) در اذان و اقامه سبب می شود که جهال به جزئیت آن قائل شوند پس سزاوارتر آن بود که ذکر مستحبات دوازده گانه فوق را از نماز منع نمایند زیرا غالب جهال مستحبات فوق را جزء نماز می دانند و بدیهی است که گفتن مستحبات مزبور به قصد جزئیت مبطل نماز است . پس به چه سبب این مستحبات را از نماز که واجب است منع نمی کنند ولی مستحب در مستحب را که شهادت بر ولایت است در اذان و اقامه منع می نمایند . در صورتیکه بنا بر رأی مرحوم

مجلسی و امثال او اگر کسی به جزئیت **(اشهد ان علیا ولی**

الله) در اذان و اقامه معتقد باشد مانعی ندارد . و نیز اگر کسی در اثنای اذان و اقامه صحبت خارجی کند اذان و اقامه باطل نمی شود ولی تکلم در اثنای نماز مبطل نماز است (تمام شد نقل از کتاب الصحیفه البیضاء) فاعتبروا یا اولی الابصار .

بعد از اینهمه مقدمات حالا هر مقدس نمائی که در گفتن علی ولی الله در اذان و اقامه توقف کند و یا در جایز بودن و رجحان آن شک و تردید داشته باشد و یا بیبانه‌ی اتفاق اسلام و جلب قلوب اهل تسنن و یا شاد کردن ارواح سران مذاهب اربعه و تبعیت کردن از ایشان آن کلمه‌ی مقدس را حذف و اسقاط نماید حتما از ذریه‌ی حضرات مقدسین نهروان تشریف دارد و در نطفه‌ی او بدون شک علل و خللی است . برادران اهل تسنن کلمه‌ی (الصلوه خیر من النوم) را که از بدعتهای خلیفه‌ی دوم است حتی محض رضای حضرت حق

و موافقت كتاب و سنت از اذان خویش بر نمی دارند . ولی این مرد ساده‌ی شیعه نما می گوید ما به خاطر اتحاد و یگانگی شهادت بر ولایت را که با کتاب و سنت موافق و طبق فرموده‌ی حضرت امام جعفر صادق (ع) است حذف و اسقاط می‌نمائیم .

**ضعف نفس و ضعف ایمان و ضعف ارکان را
بنگرید و قل الحق من ربکم فمن شاء فليکفر انا
اعتدنا للظالمين نارا احاط بهم سرادقها و ان
يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل يشوي الوجوه بئس
الشراب و ساءت مرتقفا . ان الذين آمنوا و عملوا
الصالحات انا لا نضيع اجر من احسن عملا ربنا انا
سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربکم فامنا
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سيئاتنا و توفنا مع
الابرار**

**الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه
على امير المؤمنين و اولاده المعصومين و فاطمه
الصديقه الطاهره صلوات الله عليهم اجمعين و
السلام على من اتبع الهدى**

تبریز - خادم الشریعه الغراء الاحقر حاج میرزا عبدالرسول احقاقی

اسکوئی

سال ۱۳۳۴ شمسی موافق ۱۳۷۵ قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على امير المؤمنين و وصى رسول رب العالمين عبدك و
وليک و اخى رسولک و حجتک على خلقک و آیتک الكبرى و

البناء العظيم

تقديم به شيعيان حضرت مولای متقيان امير المؤمنين عليه الصلوه و السلام

اثر طبع خطيب شهير السيد عبد اللطيف دام بقاءه

اننى مولى لاصحاب الكسا و انا خادهم طول الحيات
و انا ابرء ، من اعدائهم منكرى الفضل لهم و المعجزات
لعنت الله على مبغضهم فى زوال و عشى و غداه
بولا اهل الكسا يوم الجزا نرتجى من خالق الكون النجات
يقبل الله بهم اعمالنا من صلاه و صيام و زكات
نحن لا نترك ذكرى حيدر انها افضل كل الذكريات
ان يكن ذكر على بدعه ابدعوها فى اذان الصلوات
فعلى الاسلام و الدين العفا لا اذانا بعد هذا ... لا صلاه
من دوست آل عبا ، و خدمتگزارشان در طول زندگى هستم از
دشمنانسان بيزارم، از آنان که فضایل و معجزات ایشان را انکار
می کنند، نفرین خدا هر صبحگاه و ظهر و شب هنگام بر دشمنان
ایشان باد، ما امیدواریم خالق هستی در روز جزاء به خاطر محبت آل
عبا نجاتمان دهد خدای تعالی به سبب آن بزرگواران اعمال ما را
نماز و روزه و زکات ما را می پذیرد، ما یاد حضرت حیدر کرار را
ترک نمی کنیم که بهترین ذکرها است . اگر یاد علی بدعت باشد که
در اذان ها آورده اند پس اسلام و دین را بعد از این نه اذانی باشد و نه
نمازی .

مطالعه‌ی کتاب

حجتیه - تألیف نابغهی عصر و نادره‌ی دهر علامه‌ی بزرگوار مرحوم
میرزا محمد حسین حجه الاسلام

نامه‌ی شیعیان - تألیف حضرت مستطاب آیة الله العظمی مولانا
الحاج میرزا حسن آقا احقاقی طاب ثراه

حقایق شیعیان - تألیف مؤلف همین کتاب

برهان شیعیان و کلمه‌ای از هزار - تألیف مرحوم دانشمند
محترم آقای میرزا غلامحسین معتمد الاسلام

غدیر ولایت - ترجمه و گردآوری دانشمند محترم محمد عیدی

خسروشاهی

شرح منظومه‌ی قدوسی - تألیف مرحوم آقای سید فتاح قدوسی
را به جامعه‌ی علم و ادب توصیه می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين .

با توجه به نایاب شدن کتاب شریف ندای شیعیان تألیف استاد عالی قدر، حضرت آیت الله معظم حاج میرزا عبدالرسول احقاقی اعلی الله مقامه الشریف ابتدا تصمیم براین بود که تنها مقدمه ای برای چاپ دوم آن به رشته تحریر درآید، اما پس از آماده شدن آنچه مشاهده می نماید به عنوان ملحقات در پایان کتاب قرار گرفت که به ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و دلباختگان مولای متقیان امیرمؤمنان سلام الله علیه تقدیم شود، با این امید که پس از آگاهی از دلایل فراوان هرگز اجازه ندهند که شهادت سوم از اقامه یا اذان ساقط یا حذف شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس بی حد و حصر، پروردگاری را سزا است که جهان و جهانیان را به فضل و کرم خود هستی داد، و فرزندان آدم ابوالبشر علیه السلام را بر دیگر موجودات برتری بخشید، و برای رساندن آنان به کمال، رهاندن ایشان از بیابان سرگردانی و ضلال در بینشان پیامبرانی معصوم و مهربان برانگیخت تا آنان را با آفریدگارشان آشنا کرده و تکالیف و وظایفشان را بیان کنند، درود خدا بر آنان و به خصوص سرور و سالارشان، حضرت محمد بن عبدالله و آل طاهر او باد آن که با رسالت و نبوتش، پیامبری به پایان می‌رسد و نوبت نیابت به وارثان برگزیده‌ی او یعنی امام علی بن ابی‌طالب امیرمؤمنان، و فرزندان آن شهریار جان و جهان محمول می‌شود که ادامه دهندگان راهند.

اگر شیعیان، ندای روح‌افزای شهدان لاله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، اشهد ان امیرالمؤمنین علیا ولی الله را سر می‌دهند پاسخ به زحماتی است که در همین مورد انبیای عظام و اولیای کرام الهی کشیده‌اند، و روح مؤمنان را با تعلیمات جان‌بخش خود حیات جاودان بخشیده‌اند.

در احتجاج مرحوم طبرسی روایت مفصلی است و خلاصه‌ی موضوع آن این است که زندیقی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤالاتی را می‌پرسد، و آن حضرت آن‌ها را جواب می‌دهد سرانجام آن مرد به برکت

ملحقات ندای شیعیان

راهنمائی‌های امام علیه السلام عرض می‌کند خدای تعالی به شما عوض دهد که مرا از کوری شرک و از تاریکی جهل نجات دادید.

یکی از سؤالات او درباره‌ی آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی زخرف بوده که خدا می‌فرماید: «و اسال من ارسلنا من قبلک من رسلنا» یعنی از پیامبرانم پرس که پیش از تو فرستاده‌ایم. سؤال او این بود که آدم زنده، چگونه پیش از بعث و نشور از مردگان، سؤال کند؟

برای او مفهوم این آیه معلوم نشده بود، و فکر می‌کرد ایراداتی به قرآن وارد است، اما امیر مؤمنان ایرادات او را رفع کرد، و درباره‌ی این آیه فرمود: این آیه از براهین نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که خدای تعالی به او ارزانی داشته و به وسیله‌ی آن حجت خود را بر سایر خلائق تمام کرده است، زیرا بعد از آن که نبوت را به وسیله‌ی آن جناب پایان داد، و او را به سوی تمام ملت‌ها و سایر امت‌ها به پیامبری فرستاد (وباز) این امتیاز را به او داد که به آسمانش عروج داد و در آن روز همه‌ی انبیاء را برایش جمع کرد، و رسول خدا از نبوت همه آگاه شد، و ایشان چیزهایی از عزایم خدا و آیات و براهین او را برایش به عنوان ارمغان بیان کردند.^۱ در ادامه حدیث آمده است:

تمامی پیامبران به فضل او و فضل اوصیای او، و حجت‌هایی که بعد از او در روی زمین خواهند بود، و به فضل پیروان وصی او اقرار کردند. مردان و

^۱ صفحه ۱۷۰ ج ۱۸ المیزان فارسی و ۱۰۸ عربی چاپ امیرکبیر ۱۳۶۳ و ۵۸۴ ج ۱ احتجاج

ملحقات ندای شیعیان

زنان مؤمنی که فضل اهل فضل را به آنان تسلیم نمودند، و در برابر دستورات ایشان کبر نوزیدند، پیامبر ما صلی الله علیه و آله وسلم: از امت پیامران، کسانی را که از ایشان اطاعت کرده بودند، و کسانی را که عاصی شده بودند خواه گذشتگان و خواه بازماندگان باز شناخت^۱ مرحوم علامه‌ی طباطبایی، در تفسیر آیه گفته است این آیه به روشنی دلالت دارد بر این که:

رسول خدا در همین دنیا که بوده با عالم برزخ که انبیاء سابق در آن هستند اتصال و ارتباط داشته هم چنان که تشریح السلام علیکم ایها النبی و رحمه الله و برکاته، در آخر هر نماز به روشنی دلالت دارد بر این که آن جناب بعد از رحلت هم، با عالم دنیا ارتباط و اتصال دارد و سلام ما را می شنود^۲

در حدیثی که گذشت اشاره شده که امت‌های پیامبران نسبت به حضرات معصومین علیهم السلام معرفت داشته‌اند، النهایه بعضی از افراد آن‌ها مطیع بوده‌اند و بعضی عاصی، و این بدان معنا است که امت‌های گذشته مأمور بوده‌اند به وحدانیت خدا، و نبوت آخرین پیامبر، و امامت و پیشوائی جانشینان معصوم آن حضرت اقرار و اعتراف کنند.

به عبارت و ازدیدگاهی دیگر از آغاز خلقت کلمه‌ی طیبه‌ی لا اله الا الله، با محمد رسول الله و علی ولی الله همراه بوده، و از همه‌ی آن چه در جهان

^۱ احتجاج ج ۱ / ۵۸۴

^۲ جلد ۱۸ المیزان / صفحه‌ی ۱۶۷

ملحقات ندای شیعیان

هستی وجود دارند خواسته شده در خصوص این سه کلمه عکس العمل نشان بدهند. ما در این رابطه اخبار معتبری را مورد توجه قرار می دهیم.

x در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، از اصیغ بن نباته نقل شده است که گفت: از امیرمؤمنان علی علیه السلام، معنی آیهی « سبح اسم ربك الاعلی » را سؤال کردم. حضرت فرمود: دو هزار سال قبل از آفریده شدن آسمانها و زمینها، در پایه های عرش نوشته شد که:

لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله فاشهدوا بهما و ان علیا وصی محمد^۱.

* مرحوم مجلسی در بحار الانوار، از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

از انگشتی عقید دار استفاده کنید، زیرا عقید اولین سنگی است که به یگانگی خدا (لا اله الا الله) و به نبوت من (محمد رسول الله) و به وصی بودن علی، و امامت فرزندان او (علی ولی الله) و به بهشتی بودن پیروان علی گواهی داده است.^۲

* در خصال مرحوم صدوق و در بحار الانوار مجلسی از امام صادق روایت شده که فرمود: با خطی جلی در پیرامون عرش نوشته شده است: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی امیر المؤمنین^۳

^۱ ج ۲ / ۴۱۷، انتشارات علامه

^۲ ج ۳۷ / ۹۴ - روایت ۵۷ - دارالاحیاء العربی

^۳ خصال / ۵۶۶ حدیث ۳، بحار الانوار ج ۲۷ / ۱۲ حدیث ۲۷ طبع دارالکتب اسلامیة

*مرحوم طبرسی در مکارم الاخلاق از حسین بن خالد از امام ابوالحسن سوّم روایت کرده که به من فرمود: می‌دانی نقش نگین انگشتری حضرت آدم علیه السلام چه بود؟ عرض کردم نمی‌دانم، فرمود؛ نقش انگشتری آدم لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله بود^۱

*مرحوم میرزا محمد تقی حجه الاسلام، در صحیفه الابرار جزء ۲ / ۲۵ در حدیث سیزدهم از آمالی مرحوم صدوق، از محمد بن علی ماجیلویه، از محمد بن یحیی عطّار، از سهل بن زیاد، از محمد بن ولید، از یونس بن یعقوب، از سنّان بن طریف، از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

اولین خاندانی که خدا اسامی ایشان را با صدای بلند فریاد زد ما بودیم، وقتی آسمان‌ها و زمین‌ها را آفرید به منادی فرمان داد جار زد:

و سه بار: اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، اشهد ان علیا امیرالمؤمنین حقا گفت^۲

این خبر را مرحوم مجلسی نیز از حضرت امام صادق علیه السلام به این صورت نقل کرده است: انا اهل بیت نوه الله باسمائنا، إنه لما خلق الله السموات والارض امر منادیا فنادی اشهد ان لا اله الا الله ثلاثا، اشهد ان محمدا رسول الله ثلاثا، اشهد ان علیا امیرالمؤمنین حقا ثلاثا^۳.

^۱ مکارم الاخلاق طبع فراهانی/ ۱۷۰

^۲ امالی ۶۰۴، کافی ج ۱/ ۴۴۱، بحار الانوار ج ۱۶/ ۳۸۶، مستدرک سفینه البحار ج ۶/ ۸۵،

شرح اصول کافی ج ۷/ ۱۴۹، تأویل الایات ج ۱/ ۱۸۶

^۳ بحار الانوار ج ۳۷/ ۲۹۵

*مرحوم شیخ حرعاملی در کتاب اثبات الهدات، از حضرت امام موسی بن جعفر روایت کرده که آن حضرت ضمن صحبت از جناب عبدالمطلب فرمود:

موقع کندن چاه زمزم، سرگوزن شاخ‌داری پیدا شد و در آن لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله نقش بسته بود.^۱

*باز آن مرحوم روایت کرده که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، فرمود:

خدای تعالی دو فرشته را برای نگهداری عرش خلق کرد و به آن دو فرمود شهادتین بگویند. شهادتین را گفتند به ایشان فرمود: شهادت بدهید که علی امیرمؤمنان می‌باشد.^۲

از این روایات و روایات دیگر معلوم می‌شود که شهادت بر لاله‌الاله و شهادت بر محمد رسول الله، بدون علی ولی الله نه کامل است و نه کافی.

*مرحوم آیت الله سید اسماعیل بن احمد حسینی مرعشی رضوان الله تعالی علیه، در کتاب اجماعیات فقه شیعه گفته است:

به خدای تعالی سوگند می‌خورم، سوگندی که گناه ندارد که شهادت سوّم در اذان یعنی گفتن «ان علیا امیرالمؤمنین ولی الله» در نزد خدا و نزد پیامبر او و نزد مسلمانان خالص و یگانه پرست، عملی محبوب به شمار می‌رود، و چگونه چنین نباشد، در حالی که ما سابق بر این اثبات کردیم که هر اکرامی به رسول الله شد خدای تعالی علی علیه السلام را نیز با آن اکرام

^۱ ج ۲/ ۱۶ حدیث ۶۵، چاپ مطبعه علمی قم

^۲ ج ۲/ ۱۹۳ حدیث ۹۵۵

ملحقات ندای شیعیان

گرامی داشته است، جز پیامبری (که مخصوص حضرت محمد است) علاوه بر این آن حضرت نفس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.^۱

*اصبغ بن نباته روایت کرده که ابن کواء، به امیرمؤمنان علیه السلام عرض کرد: آیه‌ای بر دل من سنگین شده و در دین خود به شک افتاده‌ام، امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

مادرت به عزایت بنشیند آن آیه کدام است؟

جواب داد آیه‌ی « والطیر صافات کل قد علم صلوته و تسبیحه^۲ » این

صف چیست، و این مرغان کدام مرغانند این نماز و این تسبیح چیست؟

علی علیه السلام فرمود: ای ابن کواء، وای بر تو خدای تعالی ملائکه را به صورت‌های گوناگون آفریده است آگاه باش که خدا فرشته‌ای به صورت خروس با آوازی بلند دارد پاهای او در ارضین سفلی و سر او همدوش عرش رحمان است در مشرق بالی از آتش دارد و در مغرب بالی از یخ، همزمان با اوقات نماز، گردن خود را از زیر عرش بلند می‌کند و سپس مثل خروس‌هایی که در منازل تان دارید بال‌های خود را به همدیگر می‌زند، نه بالی که از آتش است یخ را آب می‌کند، و نه بالی که از یخ است آتش را خاموش می‌سازد، آن گاه جار می‌زند:

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، و اشهد ان محمداً عبده و رسوله سید النبیین و ان وصیه خیر الوصیین سبح قدوس رب الملائکه و

^۱ ج ۱/۲۷۷ فقه‌الشیعه

^۲ نور/۲۶

ملحقات ندای شیعیان

الروح، خروس‌هایی که در منزل‌هایتان دارید به همان نحو بالهای خود را به همدیگر می‌زنند و خدای تعالی می‌فرماید:

کل قد علم صلاته و تسبیحه = همه‌ی خروس‌هایی که در زمین هستند نماز و تسبیح خود را دانسته‌اند.^۱

*مرحوم ملا محسن فیض کاشانی، در تفسیر صافی، در شرح همین آیه‌ی مبارکه‌ی نور، بدون این که از اصبح بن نباته، یا از عبدالله بن کواء نام ببرد همین روایت را از امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام نقل کرده است^۲

*به خط زیبای شیخ هادی سبّتی، از زبان حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام نوشته شده که آن حضرت فرمود: ولایه علی مکتوبه فی جمیع صحف الانبیاء و لن یبعث الله رسولا الا بنوه محمد و وصیه علی.

یعنی ولایت علی علیه السلام در همه‌ی کتاب‌هایی که انبیاء آورده‌اند واجب شده است، و هرگز خدای تعالی رسولی را نفرستاده مگر با نبوت محمد و وصی او علی^۱

*در پایان حدیث طارق بن شهاب اهمسی که در معرفت امام علیه السلام از امیر مؤمنان نقل شده آمده است:

و ان العرش لم یستقر حتی کتب علیه بالنور لا اله الا الله محمد رسول الله

^۱ ج ۱، احتیاج به نقل از ص ۲۸۱ توحید صدوق، صفحه‌ی ۴۶ تفسیر فرات و صفحه‌ی ۲۸۳ ج ۴۰ بخار و ج ۱ تأویل الایات الظاهره، صفحه‌ی ۳۶۵/
^۲ صافی ۳۷۰۰

^۱ این روایت را ابن شهر آشوب در جلد مناقب صفحه‌ی ۲۵۳ از کافی، از محمد بن فضل نقل کرده است : صفحه ۳۶۹ المرشد عدد ۲

ملحقات ندای شیعیان

و علی ولی الله. یعنی که عرش استقرار نیافت تا این که با نور در آن نوشته شد لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله.

*در خصال مرحوم صدوق از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صدویست بار به معراج رفت، هیچ دفعه‌ای به معراج نرفت مگر این که خدای تعالی ولایت علی و ائمه علیهم السلام را به او سفارش می‌کرد بیشتر از آن چه واجبات را سفارش می‌فرمود.^۱

*در آداب اغلب زیارت نامه‌ها از جمله در زیارت حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به گفتن شهادت سه گانه امر شده است. ابن قولویه روایت کرده است که وقتی به زیارت قبر حضرت علی بن موسی الرضا به طوسی رفتی موقع بیرون آمدن از منزلت غسل کن و موقع غسل کردن بگوی ... و موقع ورود به آستان مقدس آن حضرت بگوی: بسم الله و بالله و علی مله رسول الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و اشهد ان علیاً ولی الله.^۲

عادت ارادتمندان به خاندان عصمت و طهارت این بوده که شهادت ثلاثه را در موارد خاصی اظهار کنند در اذان، در اقامه، در وقف نامه‌ها و در وصیت نامه‌هایی که تنظیم می‌کنند هم چنین سخنرانان در خطبه‌ها، و نویسندگان در مقدمه‌ی کتاب‌ها و رساله‌ها. شما هیچ کتاب و رساله‌ای را نمی‌بینید که بزرگان عالم تشیع آن را تألیف کنند و در دیباچه‌اش خدای

^۱ خصال صدوق/ ۵۶۶ حدیث ۳

^۲ کامل الزیارات ص ۳۰۹ و ۳۱۰ باب ۱۰۲

ملحقات ندای شیعیان

تعالی را حمد و ثنا نکنند. و به پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرین او سلام و صلوات نفرستند، وصیت نامه یا وقف نامه ای مطالعه نمی کنید مگر این که در ابتدای آن مواردی را که عرض شد ملاحظه می کنید.

* در شرح حال سردار فداکار اسلام، شهید راه امامت و ولایت جناب مسلم بن عقیل رضوان الله تعالی علیه در کتاب ینایع الموده، و امثال آن آورده اند که ابن زیاد ملعون به او گفت: چاره ای از کشتن تو نداریم، اگر سخنی داری بگوی.

حضرت مسلم بن عقیل گفت: مردی از قریش باشد که به او وصیت کنم. عمر بن سعد گفت: وصیت تو چیست؟ حضرت مسلم گفت: وصیت اول من این است که می گویم: اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و ان علیاً ولی الله و وصی رسوله و خلیفته فی امته^۱ ...

* حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام، در داخل خانه ی خدا به دنیا آمد، حین تولد سر به سجده گذاشت و چون سز از سجده برداشت اذان و اقامه گفت و در آن ها به وحدانیت و یگانگی خدا، و به رسالت حضرت محمد و به ولایت و خلافت خود گواهی داد^۲ ادای شهادت ثلاثه در سجده در اذان و اقامه وسیله ی امیر مؤمنان در داخل خانه ی خدا دلیل نیرومندی است بر یاوه گویانی که آن را از اذان و اقامه حذف می کنند.

^۱ صفحه ی ۴۰۴ چاپ حیدریه

^۲ اثبات الهدات مرحوم شیخ حرّعاملی ج ۲ / ۴۶۵

ملحقات ندای شیعیان

* این موضوع در امالی شیخ طوسی^۱ و در بحار الانوار مجلسی^۲ روایت شده که حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین چون به دنیا آمد سر به سجده گذاشت و دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

اشهد ان لا اله الا الله، و ان محمدا رسول الله و ان علیا وصی محمد رسول الله، بمحمد یختم الله النبوه و بی یتم الوصیه و انا امیرالمؤمنین.

مرحوم صدوق رضوان الله تعالی علیه بعد از ذکر حدیث ابوبکر حضرمی و کلیب اسدی گفته است: «اذان صحیح همین است و کم و زیاد نمی‌شود. و مفوضه لعنت الله علیهم اخباری را وضع کرده و در اذان و اقامه دوبار محمد و آل محمد خیرالبریه، و در بعضی از روایات خود بعد از اشهد ان محمدا رسول الله، دوبار اشهد ان علیا ولی الله، و بعضی از ایشان دوبار اشهد ان علیا امیرالمؤمنین حقا را اضافه کرده‌اند. اما این در اصل اذان و اقامه وجود ندارد و یادآوری من به آن جهت بود که با این زیادتی متهمین به تفویض شناسایی شوند آنان که خود را در زمره‌ی ما جا می‌زنند»^۳

مایه‌ی تعجب است که مرحوم صدوق چنین سخنی را در ذیل حدیث اذان نوشته است، البته نوشته‌ی او این دلالت را هم دارد که این جملات جزء اذان نیست اما گفتن آن‌ها اذان را باطل نمی‌کند. ولی آن چه راجع به مفوضه در این جا گفته در صورتی که درست باشد می‌توان گفت: در حال حاضر همه‌ی علمای عظام و فقهای گرام ما از گروه مفوضه هستند، چون در

^۱ امالی / ۸۰

^۲ بحار ج ۳۵ / ۳۷

^۳ شماره ۲۵ صفحه ۶۴۸ ج ۴ وسایل به نقل از ج اول فقیه / ۹۳ حدیث ۳۲۰۹

ملحقات ندای شیعیان

رساله‌های عملیه‌ی خودشان، گفتن اشهد ان علیاً ولی الله را در اذان و اقامه اجازه داده‌اند، و حال آن که نمی‌شود چنین چیزی را به مراجع بزرگوارمان نسبت بدهیم، زیرا مفوضه گروهی هستند که آل بیت علیهم السلام را در انجام کارها و اقدامات خود مستقل می‌دانند و حضرت امام عصر حجه بن الحسن ارواحنا فداه آن گروه را دروغگو می‌داند آن جا که به ابراهیم بن کامل فرموده است:

كذب المفوضه بل قلوبنا اوعیه لمشیه الله، مفوضه دروغ می‌گویند « ما در کارهای خود مستقل نیستیم» بلکه دل‌های ما ظرف مشیت خدای تعالی است.

در حال حاضر همه‌ی علمای شیعه کثرتاً امثالهم گفتن اشهد ان امیرالمؤمنین علیا ولی الله را گر چه جزء اذان و اقامه نمی‌دانند، ولی گفتن آن را جایز، خوب، مستحب بلکه روح اذان و اقامه اعلام می‌کنند.

مرحوم مجلسی در ج ۸۱ بحار صفحه ۱۱۱ باب ۱۳ اذان و اقامه بعد از نقل آن چه مرحوم صدوق رضوان الله تعالی علیه در فقیه نوشته می‌نویسد:

من می‌گویم بعید نیست که شهادت به ولایت از اجزاء مستحبی اذان باشد به جهت این که شیخ و علامه و شهید و دیگران گواهی داده‌اند به اخباری که در این باب وارد شده است. شیخ در مبسوط می‌گوید: اما قول اشهد ان علیا امیرالمؤمنین، و آل محمد خیر البریه، مطابق اخبار نادری که وارد شده در اذان معمول نیستند و اگر انسانی آن را بگوید گناه نکرده است، با این تفاوت که فضیلت اذان را نمی‌افزاید و فصول آن را کامل نمی‌کند.

مرحوم آیت الله حاج میرزا عبدالرسول احقاقی، در کتاب ندای شیعیان، که در سال ۱۳۳۵ به چاپ رسانده، اسامی تعدادی از فقهاء و مراجع بزرگوار را آورده که گفتن اشهد ان علیاً امیرالمومنین ولی الله را در اذان و اقامه بدون قصد جزئیت جایز بلکه مطلوب می دانند، و ما برای این که چاپ جدید کتاب مزبور به فتاوی علماء و فقهای معاصر کثرالله امثالهم و وفقهم لما یحب و یرضی، و هم چنین با نام و یاد آنان و غیر ایشان مزین شود نام مبارک و فتوای ایشان را در این ملحقات به عنوان تبرک و تیمن می آوریم.

- ۱- حضرت آیت الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی در مسأله‌ی ۹۲۸ توضیح المسائل خود می گویند: اشهد ان علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی چون ولایت آن حضرت مکمل دین است شهادت به آن در هر حال و از جمله بعد از اشهد ان محمدا رسول الله از افضل قربات است.
- ۲- حضرت آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی در مسأله‌ی ۹۳۸ توضیح المسائل می گوید: اشهدان علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمدا رسول الله به قصد قربت گفته شود.
- ۳- حضرت آیه الله حاج سید علی سیستانی دام عزه العالی در مسأله‌ی ۹۲۸ توضیح المسائل می گوید: اشهد ان علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوبست بعد از اشهد ان محمدا رسول الله به قصد قربت گفته شود
- ۴- حضرت آیت الله شیخ لطف الله صافی گلبایگانی در صفحہ‌ی ۱۹۰ رساله‌ی خود می گوید: اشهد ان علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوبست بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۵- حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی دام عمره در صفحه‌ی ۱۴۴ توضیح المسائل می‌گویند: اشهد ان علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمدا رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۶- حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی بهجت دام عمره در مسأله‌ی ۷۵۸ می‌گوید: بعید نیست مستحب بودن اقرار به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در اذان مستحبی در صورتی که به نیت مطلوب بودن گفته شود به عبارات مختلفی در نه‌ایه، فقیه و احتجاج نقل شده است که «ان علیاً ولی الله، و یا علی امیرالمؤمنین و یا به عبارت اشهد ان علیا ولی الله باشد و اما اقرار به ولایت اگر چه در غیر اذان باشد خوب است، و احتیاج به دلیل مخصوص ندارد و کامل‌ترین عبارتی که در این جا گفته می‌شود آن است که اقرار به خلیفه بودن یا وصی بودن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام در آن باشد.^۱

۷- مقام معظم رهبری حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای در رساله‌ی اجوبه الاستفتاءات ج ۴۵۶ می‌گویند: گفتن اشهد ان علیا ولی الله به عنوان شعار تشیع، خوب و مهم است. و باید به قصد قربت مطلقه گفته شود ولی جزء اذان و اقامه نیست.

۸- حضرت آیت الله حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی در مسأله‌ی ۹۳۸ توضیح المسائل می‌گوید: اشهد ان علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمدا رسول الله به قصد قربت مطلقه گفته شود.

^۱ یعنی شهدان امیرالمؤمنین علیاً و اولاده المعصومین اوباءالله

- ۹- حضرت آیت الله حاج سید یوسف مدنی تبریزی در مسأله‌ی ۹۲۷ می‌گویند: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله، به قصد قربت گفته شود.
- ۱۰- حضرت آیت الله حاج شیخ حسین نوری همدانی در مسأله‌ی ۹۲۰ توضیح المسائل می‌گویند: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود. و چون در امثال زمان ما شعار تشیع محسوب می‌شود در هر جا که اظهار این شعار مستحسن و لازم باشد گفتن آن هم مستحسن و لازم است.
- ۱۱- حضرت آیت الله حاج سید صادق حسینی شیرازی در مسأله‌ی ۱۰۰۰ توضیح المسائل می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزو اذان و اقامه است و در بعضی از روایات به آن اشاره شده است.
- ۱۲- حضرت آیت الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی در مسأله‌ی ۸۴۳ می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد تبرک گفته شود لکن به صورتی که معلوم شود جزء آن نیست.
- ۱۳- حضرت آیت الله شیخ حسین علی منتظری، در مسأله‌ی ۹۳۴ می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزو اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.
- ۱۴- حضرت امام روح الله الخمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران در مسأله ۹۱۹ می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۱۵- حضرت آیت الله سید محسن حکیم در مستمسک عروه الوثقی

ج ۵/۵۴۳ طبع نجف اشرف می گوید: در این زمان گفتن اشهد ان علیاً ولی الله در اذان از شعائر ایمان، (و اشاره به دوام تشیع و بقای حیات اجتماعی ملت شیعه دارد) در این صورت گفتن آن بدون قصد جزئیت واجب است.

۱۶- حضرت آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی ره در مسأله‌ی ۹۱۲

می گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۱۷- حضرت آیت الله حاج سید محمد روحانی، در مسأله‌ی ۹۱۵

می گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۱۸- حضرت آیت الله حاج میرزا جواد آقا غروی علیاری در صفحه‌ی

۹۴ توضیح المسائل می گوید: کلمه‌ی مبارکه‌ی اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی مستحب و مطلوب است و بسیار تأکید شده که بعد از شهادت بر رسول الله صلی الله علیه شهادت بر ولایت به قصد قربت در اذان و اقامه گفته شود.

۱۹- حضرت آیه الله حاج شیخ عباس طسوجی (ره)، در مسأله‌ی ۹۲۸

توضیح المسائل می گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزو اذان و اقامه نیست، ولی زینت اذان و اقامه است، و شعار شیعه می باشد، و در بعضی از موارد مانند حضور جماعات و پخش از رادیو و تلویزیون نگفتن آن حرام است و باید بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد

ملحقات ندای شیعیان

قربت گفته شود، و بهتر است امیرالمؤمنین را هم بگویند یعنی به طوری که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند «من قال محمد رسول الله فليقل على امير المؤمنين»

۲۰- حضرت آیه الله حاج سید مهدی مرعشی (دام عمره)، در مسأله‌ی ۹۱۱ ص ۱۶۶ توضیح المسائل می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزو اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۲۱- حضرت آیت الله حاج سید محمد سید محمود حسینی شاهرودی (دام عمره) در مسأله‌ی ۹۲۸ ص ۱۷۵ توضیح المسائل می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۲۲- حضرت آیه الله حاج سید محمد الحسینی الشیرازی (ره) در مسأله‌ی ۲۹۸ ص ۲۸۱ المسائل الاسلامیه می‌گوید: ظاهر این است که «اشهد ان علیاً ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست و به این موضوع در روایات اشاره شده به طوری که در شرح عروه تفصیل داده‌ایم.

۲۳- حضرت آیت الله حاج سید محمد علی علوی گرگانی (دام عمره)، در مسأله‌ی ۹۲۸ ص ۱۶۰ توضیح المسائل می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۲۴- حضرت آیت الله حاج سید کاظم مرعشی (ره) در مسأله‌ی ۹۲۸ ص ۱۶۲ توضیح المسائل می‌گوید: اشهد ان علیاً ولی الله جزء اذان واقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمداً رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۲۵- حضرت آیت الله حاج سید محمد سعید طباطبائی حکیم (دام عمره)، در مسأله‌ی ۳۰۸ ص ۹۶ الاحکام الفقهیه می‌گوید: «در بعضی از اخبار وارد شده که یکی از اجزاء اذان اشهد ان علیاً امیر المؤمنین ولی الله است، بلکه در بعضی از کتاب‌های خطی نقل شده که اباذر رضوان الله تعالی علیه در اذان اشهد ان علیاً امیر المؤمنین ولی الله گفت، مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از او شکایت کردند حضرت انجام این عمل را بر او تقریر کرد یعنی او را منع نمود. اما چون صحت اخبار مذکور به ثبوت نرسیده، آوردن آن به نیت این که جزء اذان باشد محلی ندارد، آری گفتن آن بهتر است با این امید که از اجزاء مستحبی اذان است یا با این امید که فی نفسه مستحب می‌باشد، برای این که در احتجاج ظبرسی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گاه یکی از شماها لا اله الا الله، محمد رسول الله بگوید باید بگوید علی امیر المؤمنین. و برای این که شهادت بر ولایت یک حقیقت است تا جایی که خدای تعالی آن را از واجبات پنج گانه‌ای قرار داده که اسلام بر آن پایه بنا شده است، بلکه امر ولایت از مهمترین آن‌ها می‌باشد».

کلینی در کتاب کافی از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: بنی الاسلام علی خمس الصلوه و الزکاه و الصوم، و الحج و الولایه، و لم یناد بشی مثل ما نودی للولایه، اسلام بر پنج پایه بنا شده است، نماز،

ملحقات ندای شیعیان

زکات، روزه، حج، و ولایت، و به چیزی فرا خوانده نشده است که مثل ولایت باشد.

این روایت را کلینی از طریق زراره، از امام باقر به شرح زیر آورده است: «بنی الاسلام علی خمس، الصلوه و الزکاه و الصوم، و الحج و الولایه، و لم ینادبشی مثل ما نودی للولایه، اسلام بر پنج پایه بنا شده است بر پایه ی نماز، زکات، حج، ولایت و روزه. می گوید: از آن حضرت سؤال کردم کدام یک از این پنج تا افضل است؟ فرمود:

ولایت افضل است زیرا کلید همه ی آنها است و والی بر همه آنها راهنما و دلیل می باشد.^۱

مرحوم سید عبدالله شبر در شرح حدیث مرحوم صدوق در کتاب فقیه، مروی از حضرت امام باقر، به این صورت «انکم تلقنون موتاکم لا اله الا الله عند الموت و نحن تلقن موتانا محمد رسول الله» در احتمال پنجم گفته است: مخاطبان این حدیث اهل سنت و جماعتند به این معنی که اگر چه به محضر خود شهادتین را تلقین می کنند، اما شهادت ایشان به نبوت به منزله ی عدم است، زیرا یکی از شرایط اقرار به نبوت اقرار به امامت می باشد، و اگر به امامت اقرار نشود مثل این است که به نبوت اقرار نشده است، چنان که اهل سنت همین طور می کنند.^۱

^۱ هر دو روایت را مرحوم سید عبدالله شبر در ج ۲/۴۸ مصباح الانوار فی حل مشکلات الاخبار با شرح اندکی آورده است.

^۱ همان کتاب صفحه ی ۷۵

۲۶- حضرت آیت الله فقیه محقق میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی قمی

در صفحه ۱۲۲ جامع الشتات ج ۱ چاپ ۷۱ مؤسسه کیهان می گوید:

اشهد ان علیا ولی الله نه جزء اذان و نه جزء اقامه است، و اما در گفتن آن

مضایقه نمی کنم به قصد تیمن یا به اعتبار آن چه دلالت دارد بر ذکر ولایت

عقیب^۱ نبوت.

۲۷- شیخ محمد حسین آل طاهر یکی از فضلاء شاگردان حضرت آیت

الله مرحوم شیخ عبدالنبی اراکی، که بیانات او را در کتابی به نام الهدایه فی

کون الشهاده بالولایه فی الاذان و الاقامه به رشته ی تحریر کشیده اظهار

داشته که شهادت بر ولایت مثل دیگر اجزاء، جزء اذان و اقامه است.

۲۸- حضرت آیت الله یعسوب الدین رستگار جویباری زید عمره در

مسأله ۱۳۴۹ توضیح المسایل خود می گوید: مستفاد از کتاب و سنت و عقل

سلیم آن است که اشهد ان امیرالمؤمنین علیا ولی الله جزء اذان و اقامه است

و باید بعد از اشهد ان محمدا رسول الله گفته شود، و در مسأله ی ۱۵۵۷ در

ضمن تشهد می گوید پس از شهادتین بگوید: اشهد ان امیرالمؤمنین علیا و

اولاده المعصومین حجج الله.

۲۹- حضرت آیت الله حاج سید محمد وحیدی در مسأله ی ۹۲۸ توضیح

المسایل خود گفته است « اشهد ان علیا ولی الله جزو اذان و اقامه نیست ولی

خوبست بعد از اشهد ان محمدا رسول الله، به قصد قربت مطلقه و به عنوان

زینت دادن اذان و اقامه با آن گفته شود.

^۱ یعنی بدون فاصله بعد از گفتن اشهدان محمداً رسول الله باید اشهد ان علیاً ولی الله گفته شود.

ملحقات ندای شیعیان

۳۰- حضرت آیت الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری زید عمره در مسأله ۹۲۸ توضیح المسائل خود گفته است: اشهد ان علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از اشهد ان محمدا رسول الله به قصد قربت گفته شود.

۳۱- مرحوم آیت الله امام عبدالحسین شرف الدین موسوی، در کتاب النص و الاجتهاد می نویسد: به هنگامی که نام حضرت رسول ذکر شود گفتن صلی الله علیه و آله و سلم مستحب است چنان که مستحب است شهادتین (لا اله الا الله، محمد رسول الله در حین گفتن اذان و اقامه با اشهد ان امیرالمؤمنین علیا ولی الله تکمیل شود.

و هر کس آن را حرام و بدعت بشمارد به خطا و اشتباه رفته است، زیرا هر مؤذن قبل از اذان آیهی « و قل الحمد لله لم يتخذ ولدا ... » یا مثل آن (یا الحمد لله الذی لم يتخذ صاحبه و لا ولدا و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا) را و یا بعد از (اشهد ان محمداً رسول الله) الصلوه و السلام علیک یا رسول الله و مثل آن را می گوید. به این امر در اذان از طرف شارع مقدس نصی وارد نشده، و قطعاً بدعت و حرام نیست. زیرا هیچ مؤذنی آن‌ها را از فصول اذان (یا اقامه) به شمار نمی آورد، و چنین است شهادت بر ولایت علی علیه السلام در اذان که با وجود دلایل عمومی می شود آن را بگویند.

در ضمن طبق قاعده، کلام اندک در بین اذان و اقامه هیچ یک از آن‌ها را باطل نمی کند، پس بدعت و حرام از کجا پیدا شدند؟ و غرض نهایی از شکستن اتحاد مسلمانان، در این ایام چیست؟»

نکاتی که به دست آوردیم:

الف: شهادتهای سه گانه پیرامون عرش، پایه های عرش و یاخطی از نور نوشته شده است صفحه ی ۴۲ و ۴۶ مراجعه کنید.

ب: شهادتهای سه گانه نقش نگین انگشتر جناب آدم بوده است صفحه ی ۴۳ مراجعه کنید.

ج: به جمادات نیز این سه شهادت عرضه شده است صفحه ی ۴۲ مراجعه کنید.

د: در اشیائی که از چاه زمزم بیرون آمده این شهادتها نوشته شده است صفحه ی ۴۴ مراجعه کنید.

ه: نگهبانان عرش به هر سه شهادت مامور شده اند صفحه ی ۴۴ مراجعه کنید.

با این که شهادت ثلاثه در ابتدای کتاب های بزرگان تشیع، در ابتدای خطبه ها، در مقدمه ی وصیت نامه ها و وقف نامه های ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت آمده و خود دلیلی است بر این که همگان بر این قولند که شهادت بر ولایت و امامت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از ذکر شهادت بر لا اله الا الله و شهادت بر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ضرورت دارد.

اما چون این شهادت در اذان و اقامه روزانه چندین بار بر زبان موالیان مؤمن جاری می شود موضوع را در رابطه با این دو سنت سنیه و فضایل آنها به پایان می بریم، و امیدواریم مورد توجه همگان به خصوص مؤذنین گرامی قرار گیرد:

اذان و اقامه

* برای هر مرد و زن مستحب مؤکد است پیش از نمازهای پنجگانه، صبح، ظهر و عصر، مغرب عشاء اذان و سپس اقامه بگوید.

* در روز اول ولادت، یا پیش از آن که بند ناف بچه بیفتد مستحب است در گوش راست او اذان، و در گوش چپ او اقامه بگویند.
مرحوم صدوق در رساله‌ی المقنع می‌نویسد:

* موقع اذان گفتن صدای خود را بلند کن، زیرا خدای تعالی بادی را موکل ساخته که اذان را به آسمان بالا ببرد، مؤذن ما بین اذان و اقامه اجر شهیدی را دارد که در راه خدای تعالی به خون خود آغشته شده است؛ کسی که ده سال قربه الی الله اذان بگوید، خدای تعالی تا فاصله‌ای که چشم وی کار می‌کند و تا حدی که آوازش در آسمان طنین می‌افکند وی را مشمول مغفرت خود می‌سازد، و هر تر و خشکی که صدایش را می‌شنود او را تصدیق می‌کند، و به ازای هر کسی که با او نماز می‌خواند سهمی دارد و در برابر هر کسی که با شنیدن صدای او به نماز برمی‌خیزد حسنه‌ای نصیب وی می‌شود.^۱

* مرحوم شیخ حرعاملی به نقل از محمد بن یعقوب کلینی رضوان الله تعالی علیه، با اسناد از هشام بن ابراهیم روایت کرده که به حضرت امام رضا علیه السلام از بیماری خود و این که فرزندی برایم متولد نمی‌شود شکایت

^۱ المقنع طبع ۱۴۱۵ مرسه الامام الهادی علیه السلام

کردم، حضرت فرمود در منزل اذان را با صدای بلند بخوانم، من این کار را کردم مرضم برطرف شد و فرزندان زیادی پیدا کردم.^۱

*عالم متبج و محقق متورع جناب شیخ عبدالکریم ربانی شیرازی در پاورقی همان روایت به نقل از فروع کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب می نویسد: محمد بن راشد گفته که من همیشه مریض بودم بیماری از من و از خدمتکارانم و خانوادهام دست بردار نبود، گاه می شد تنها می ماندم و پرستاری نداشتم که به من خدمت کند. وقتی روایت هشام بن ابراهیم را شنیدم به گفته‌ی امام رضا علیه الاسلام عمل کردم خدای تعالی مرض را از من و خانوادهام برطرف کرد.

فوائد اذان گفتن:

مرحوم شیخ حرعاملی از من لا یحضره الفقیه، با اسناد از فضل بن شاذان از حضرت امام رضا، در رابطه با فلسفه‌ی تشریح اذان روایت می کند که فرمود: علت‌های زیادی دارد که از آنها است:

- (۱) به فراموش کار یادآوری می کند
- (۲) به غافل هشدار می دهد
- (۳) وقت را به آن که نمی داند و کارش سر او را مشغول کرده می شناساند.

(۴) مؤذن با اذان گفتنش:

به عبادت خدا فرا می خواند به بندگی خدا فرمان می دهد
به عبادت تشویق می کند.

^۱ و ۲ وسایل الشیعه جلد ۴ صفحه‌ی ۶۴۱ باب ۱۸

ملحقات ندای شیعیان

به توحید اقرار می نماید.

ایمان را آشکار می سازد.

اسلام را اعلان می کند... تا آخر^۱

اهل سنت و جماعت در اذان و اقامه نماز صبح به جای حی علی خیر العمل الصلوه خیر من النوم می گویند، با این که به ظاهر بدعت را دوست ندارند اما به این بدعت عادت کرده اند.

* مرحوم شیخ محمد حسن حرعاملی به نقل از علل الشرایع صدوق، با اسناد از محمد بن ابی عمیر، نقل کرده که از حضرت امام رضا سؤال کردم چرا حی علی خیر العمل از اذان برداشته شده است؟ فرمود: علت ظاهری را می خواهی یا علت باطنی را؟ عرض کردم می خواهم هر دو را بدانم. حضرت فرمود: علت ظاهری این بود که مردم به خاطر نماز جهاد را ترک نکنند و علت باطنی این است که خیر العمل ولایت است آن که دستور داد حی علی خیر العمل از اذان برداشته شود قصد داشت در دعوت به ولایت تشویق و تحریصی نباشد.

شیخ صدوق رحمه الله علیه می نویسد: «اگر خواستی اذان بگویی صدای خود را بالا ببر، زیرا خدای تعالی بادی را موظف کرده که اذان را به آسمان بالا ببرد، و باید بدانی که مؤذن در بین اذان و اقامه، پاداشی نظیر شهید به خون غلتیده در راه خدا را دارد، و هر کس ده سال در جهت رضای خدا اذان بگوید، خدای تعالی به مقداری که چشمش می بیند، و صدایش در آسمان طنین می افکند وی را می آمرزد، و هر تر و خشکی که صدایش را می شنود

^۱ ص ۶۴۵ همان جزء ۴ وسایل الشیعه حدیث ۱۴

ملحقات ندای شیعیان

وی را تصدیق می‌کند و از بابت هر کسی که با وی و در مسجد او نماز می‌خواند سهمی برای او منظور می‌شود، و از بابت هر کسی که با صوت او به نماز برمی‌خیزد حسنه‌ای برای او نوشته می‌شود.^۱

مرحوم شیخ حرعاملی می‌نویسد: «حضرت امام جعفر صادق، از اجداد خود (ضمن حدیث مناهی) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که آن حضرت فرمود: هر کس برای خدا اذان بگوید، خدای تعالی به وی پاداش چهل هزار شهید، و چهل هزار صدیق را عطا می‌کند و باشفاعت او چهل هزار گناه کار امت مرا وارد بهشت می‌نماید، آن گاه که مؤذن اشهد ان لا اله الا الله می‌گوید، هفتاد هزار فرشته بر وی درود می‌فرستند و برایش طلب آمرزش می‌نمایند، او در روز قیامت تا حساب خلاق پایان یابد در سایه‌ی عرش می‌باشد، و هفتاد هزار فرشته ثواب اشهد ان لا اله الا الله وی را به تحریر می‌آورند.^۲

باز هم آن عالم بزرگوار، از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده و می‌نویسد: اگر در بیابانی اذان و اقامه بگویی (و نماز بخوانی) دو صف از فرشتگان پشت سرت نماز می‌خوانند و اگر اقامه گفتی و اذان نگفتی یک صف پشت سرت به نماز می‌ایستد.^۳

^۱ المقنع ص ۹۰، مستدرک ۳۹/۴ حدیث ۳، عاسن ۴۸ ضمن حدیث ۶۷، کافی ۳۰۷/۳ ضمن حدیث ۳۱، تهذیب ۵۸/۲ حدیث ۴۶ و سایل جزء ۱۱/۵.

^۲ و سایل ج ۴/۶۱۶ حدیث ۲۰

^۳ و سایل ج ۴/۶۲۰، ۶۱۹

ملحقات ندای شیعیان

و در حدیث ۵ این جمله را می‌نویسد: پشت سرش دو صف از فرشتگان نماز می‌خوانند که هر دو سر آن صف‌های (ناپیدا هستند و) دیده نمی‌شوند. و در حدیث ۷ می‌نویسد: مفضل بن عمر به آن امام همام گفت: طول هر صف چه مقدار است؟

فرمود: کمترش بین شرق و غرب، و بیشترش بین آسمان و زمین است. مرحوم حرعاملی، در بیان فلسفه‌ی اذان، از فضل بن شاذان، از قول حضرت امام رضا می‌نویسد: مردم به جهات زیادی، به گفتن اذان مأمور شده‌اند، از آن جمله است:

یادآوری به آن که فراموش کرده، و بیدار کردن غافل، و شناخت دادن به کسی که از وقت نماز خبری ندارد و سرش به کارش مشغول می‌باشد، بر این اساس مؤذن مردم را به عبادت خالق فرا می‌خواند، و به آن ترغیب می‌کند، در عین حال به یکتاپرستی اقرار می‌نماید، ایمان را آشکار می‌سازد، و اسلام را به طور علنی اعلام می‌کند، و ابلاغ می‌کند به کسی که عبادت را فراموش کرده است^۱...

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی رو به قبله ایستادی، از دنیا و آنچه دارد، از مردم در هر حال و وصفی که هستند مأیوس شو. و دلت را خالی گردان از هر چیزی که آن را از یاد خدا مشغول سازد، و با باطن خودت عظمت وی را معاینه کن، ایستادن خود در پیشگاه او را در (یوم تلوا کل نفس ما اسلفت وردوا الی الله مولا هم الحق) به یاد بیاور و روی قدم ترس و امید بایست زمان تکبیر گفتن

^۱ حدیث ۱۴ ج ۴ ص ۶۴۵ و سایل الشیعه

خودت، هر چیزی را که بین آسمان‌ها و زمین‌ها قرار دارد جز عظمت او را کوچک بشمار، به درستی خداوند وقتی به دل بنده‌ای در حال الله اکبر گفتن مطلع شود در حالی که در دلش از حقیقت تکبیر معارضی دارد می‌فرماید: ای دروغگو آیا مرا می‌فریبی؟ به عزت و جلالم سوگند از شیرینی یادم محرومت می‌کنم، و ترا از قرب خود و از شادی مناجاتم باز می‌دارم.

باید بدانی که او به خدمت تو نیازی ندارد، و از عبادت و دعا کردنت غنی می‌باشد، تو را دعوت کرده تا با فضلش ترا رحمت کند، و از عقوبت‌هایش دورت گرداند، و از برکات و الطاف خویش برایت عطا کند و به راه رضا راهنماییت فرماید و دروازه‌های معرفتش را به روی تو بگشاید.^۱

مرحوم سید عبدالله شبر از فقیه مرحوم صدوق، از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که مؤذن در بین اذان و اقامه ثوابی مثل شهید آغشته به خون در راه خدای تعالی را دارد. علی علیه السلام عرض کرد (مگر سر اذان و اقامه با هم) جدال و قتال می‌کنند؟ فرمود: نه چنین نیست اما زمانی بر مردم خواهد آمد که اذان به عهده‌ی افرادی محول خواهد شد که ناتوانی‌های مالی دارند، بدن این مؤذنین را خدای تعالی به جهنم حرام کرده است.^۲

باز می‌نویسد: علامه‌ی مجلسی از کتاب دعایم الاسلام، از حضرت امام صادق از پدرانش از علی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده

^۱ صفحه‌ی ۱۰۰ شرح حیات الرواح

^۲ مصباح الانوار فی حل مشکلات الاخبار ج ۲/ ۱۹۹ حدیث ۷۶

ملحقات ندای شیعیان

که فرمود: سه عمل است که اگر امت من ارزش معنوی آن‌ها را بدانند برای این که بین آنان نزاعی درنگیرد آن‌ها را به قید قرعه انجام می‌دهند، اذان گفتن رفتن به نماز جمعه، در صف اول جماعت قرار گرفتن. البته منظور اذان دادن در اجتماعات است زیرا هر کس برای نماز خود می‌تواند اذان و اقامه بگوید.

باز آن مرحوم از فقیه صدوق، از بلال روایت می‌کند که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می‌فرمود: مؤذنان امین نمازها و روزه‌ها و گوشت‌ها و خون‌های مؤمنین هستند، از خدای تعالی چیزی را نمی‌خواهند مگر این که خدا بر ایشان عطا کند، و درباره‌ی چیزی شفاعت نمی‌کنند مگر این که شفاعت ایشان پذیرفته می‌شود. اما این که مؤذنین امین نمازها و روزه‌های مؤمنین هستند به این جهت است که با اذان مؤذن به خواندن نماز می‌شتابند، و هم‌چنین با شنیدن اذان مغرب در ماه‌های رمضان و در غیر آن که روزه می‌گیرند افطار می‌کنند، و در اذان صبح از خوردن و آشامیدن دست بر نمی‌دارند. گوشت‌ها و خون‌ها شاید کنایه‌ای از مسایل زناشویی و مسایل خاص زنانگی باشد و خدا داناتر است.

در اینجا ملحقات کتاب شریف ندای شیعیان را به پایان می‌برم و از خدای مهربان برای همگان توفیق خدمتگزاری به آستان مقدس راهنمایان توحید یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام را در خواست می‌نمایم. و امیدوارم این برگ سبز را از این بی‌نوا بپذیرند. اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم. و آخر دعوانا . ان الحمد لله رب العالمین.

اقل مشتغلین محمد عیدی خسروشاهی

۸۴/۹/۷ مطابق با ۲۵ شوال المکرم/۱۴۲۶

خود آزمایی:

- چرا بنی امیه و بنی عباس از شنیدن اشهد ان علیا ولی الله می ترسیدند؟
- از چه زمانی گفتن اشهد ان امیر المؤمنین علیا ولی الله بر سر مناره ها علنی گردید؟

- امام صادق (ع) فرمود: اگر کسی لا اله الا الله محمد رسول الله گفت باید چه جمله‌ی دیگری را بگوید؟
- اگر پیامبر اکرم (ص) ولایت امیر المؤمنان را اعلام نمی کرد رسالت خدا را رسانده بود؟

- مرحوم علامه بدعت را به چند قسمت تقسیم کرده است نام ببرید؟
- صاحب مجمع البیان بدعت را به دو نوع کلی تقسیم کرده است آن‌ها را نام ببرید.

- رسول خدا فرموده است: (من کنت مولاة فهذا علی مولاة) چه معنی و مفهومی دارد؟

- با مراجعه به ردیف ۱۳ صفحه‌ی ۳۱ و ردیف ۶ صفحه‌ی ۶۲ بنویسید که کاملترین عبارت برای ادای شهادت سوم چیست؟
- مرجع بزرگواری را نام ببرید که در حال حاضر به گفتن کاملترین عبارت فتوی داده است .

- آیا پیامبران به فضل رسول خدا و فضل اوصیای او اقرار دارند؟
- علامه‌ی طباطبائی با جمله‌ای از نماز، به ارتباط پیامبر اکرم بادنیای ما استدلال می کند آن را بنویسید.

-در پایه های عرش چه جملاتی نوشته است؟
 -اولین سنگی که به لاله الا الله و محمد رسول الله و علی و اولاده اولیاء الله و
 به بهشتی بودن پیروان ایشان اقرار کرده کدام است؟
 -نقش نگین انگشتری جناب آدم چه بود؟
 -اولین کلماتی که با صدای بلند در آسمانها و زمین طنین افکند چه کلماتی بود؟
 -عبد المطلب در حین کندن چاه زمزم با چه نوشته ای مواجه شد؟
 -عبد الله بن کواء چه سؤالی را از امیر المؤمنان کرد و چه جوابی شنید؟
 -کدام امام فرمود: ولایت امیر المؤمنان در کتاب های پیامبران نوشته شده
 است؟ و فرمود: هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر با نبوت محمد و (امامت)
 وصی علی.

-چه خطوطی نورانی عرش را استقرار داد؟
 -وصیت اول حضرت مسلم بن عقیل چه جملاتی بود؟
 -حضرت علی حین تولد اذان و اقامه را کجا گفت و به چه چیزهایی
 گواهی داد؟
 -در ندای شیعیان چند نفر از علمای اعلام نام برده شده که گفتن شهدان امیر
 المؤمنین علیا ولی الله را مستحب می دانند؟
 -چند تن از علمای اعلام در ملحقات ندای شیعیان نام برده شده اند که
 شهادت سوم را مستحب می دانند؟
 - با نگاه مجددی به صفحه ی ۶۴ بنویسید که در چه موارد نگفتن شهدان
 علیا ولی الله حرام است؟
 -اسلام بر چند پایه بنا شده است آن ها را بنویسید.

فهرست منابع تحقیق

- ۱- آمالی / صدوق، ۲- اثبات الهدات / حر عاملی،
- ۴- احتجاج / طبرسی، ۵- الاحکام الفقهیه / آیت الله سید محمد سعید طباطبائی،
- ۶- بحار الانوار / مجلسی، ۷- تفسیر فرات / علی بن ابراهیم، ۸- تفسیر صافی / ملا محسن فیض، ۹- توحید / صدوق،
- ۱۰- التعلیقہ / آیت الله شیخ مرتضی آل یس، ۱۱- توضیح المسائل / آیات عظام و مراجع ۱۲- جامع الشتات / میرزای قمی، ۱۳- حجتیه / میرزا محمد حسین حجه الاسلام، ۱۴- حدائق / شیخ یوسف بحرانی، ۱۵- خصال / صدوق، ۱۶- دعائم الاسلام / ۱۷- رمز الایمان، ۱۸- شرح اصول کافی، ۱۹- شرح حیات الارواح / میرزا حسن گوهر، ۲۰- صحیفه الابرار / میرزا محمد تقی حجه الاسلام، ۲۱- الصحیفه البیضاء السید عبد اللطیف، ۲۲- فقه الشیعہ / ۲۳- فقیه / ۲۴- علل الشرایع / صدوق، ۲۵- کامل الزیارات / ابن قولویه، ۲۶- لمعه / دمشقیه / ۲۷- لطائف الدرر / میرزا موسی حائری، ۲۸- محاسن ۲۹- مبسوط / برقی، ۳۰- مجمع البحرین، ۳۱- المسائل الاسلامیه / سید محمد شیرازی، ۳۲- المرشد / مجله، ۳۳- مستدرک سفینه البحار، ۳۴- مصباح / آقا رضا همدانی، ۳۵- مصباح الانوار / سید عبدالله شبر ۳۶- المقنع / مرحوم صدوق، ۳۷- مکارم الاخلاق / طبرسی، ۳۸- مناقب / ابن شهر آشوب، ۳۹- منظومه / مرحوم بحر العلوم، ۴۰- المیزان / مرحوم محمد حسین طباطبائی، ۴۱- النص و الاجتهاد / مرحوم شرف الدین، ۴۲- وجیزه المسائل / شیخ محمد حسن مظفری، ۴۳- وسائل الشیعہ / شیخ حر عاملی، ۴۴- ینابیع الموده،



انتشارات روشن ضمیر

قیمت: ۶۰۰ تومان

شابک: ۸-۰۱-۸۵۲۱-۹۶۴